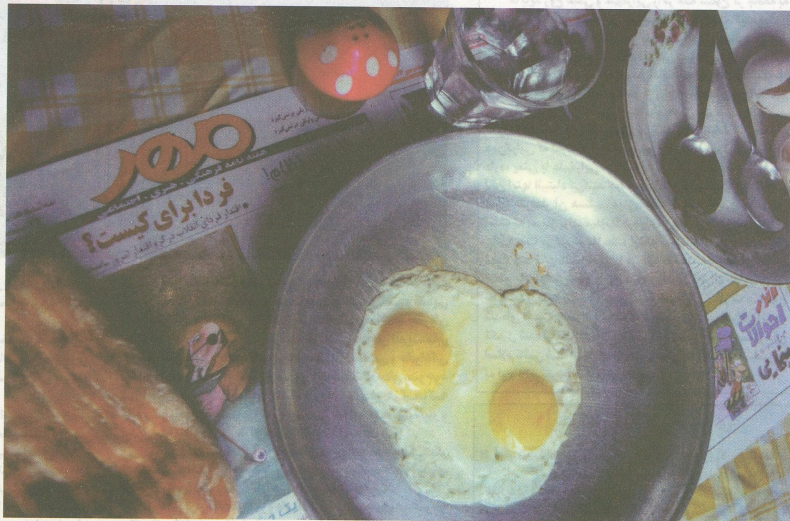


حافظ از تاب رخ مهر فروغ تو بسوخت
کامکارا نظری کن سوی ناکامی چند

هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی

«مهر» به یک سالگی رسیده است، اما....

● ما اصولاً عادت به برگزاری جشن تولد نداریم!



تهران، شهر بی میدان
● شهر تهران در حال حاضر میدانی
متناسب با ظرفیت اولیه هم ندارد.

استقلال، اقتصادی میسر است، اگر...

دروغ و کتمان، زیر بنای تاریخ جهانی • اندیشه‌ها و تفسیرهایی که بر بلندای تیرهٔ دروغ‌ها برافراشته شده‌اند...

تضارب آراء

● هر کس برای به تعویق افتادن آزادی دلایلی می‌آورد...

اگر سینمای ملی نداریم، در عوض
«روز ملی سینما» داریم!

تلفن همراه صابو/ا/ا مدل 730

- ✓ تزوین نوع (۱۴ نوع) و انتخاب نوع زبان
- ✓ مجوز به کلمه عبور، قطع میکروفن، قفل صفحه کلید و
- ✓ صفحه مدت مکالمه
- ✓ امکان شماره گیری مجدد با ۲۰ تماس آخر و
- ✓ ارسال اطلاعات (فاکس و ثبت)
- ✓ کلید مخصوص تماس بین المللی
- ✓ قابلیت دریافت و ارسال پیامهای کوتاه، انتقال تماس،
- ✓ حالت انتظار و نگهداری مکالمه
- ✓ سازگار با سرویس های آتی شبکه تلفن همراه
- ✓ ضمانت و تامین خدمات پس از فروش

- ✓ یکی از کوچکترین و سبکترین گوشی های موجود در جهان
- ✓ قریف، زیبا و کم حجم
- ✓ مجهز به ارزاشنده (خام چستات و مدیران یا محیط های سر سر وسدا)
- ✓ ۲ کلید قابل برنامه ریزی
- ✓ صفحه نمایش بزرگ ۳۱۰x۲۱۰ (روشنایی صفحه)
- ✓ کیفیت صوت عالی، بات آنتن ثابت
- ✓ ۱۰۰۰ حلقه دختربه تلفن گارانتی
- ✓ ۲۰۰۰ حلقه دفترچه تلفن گارانتی
- ✓ مجهز به حافظه جانبی، ساعت، تقویم، رنگ اخبار و تایمر



✓ ہر روز بہتر از دیروز

● شماره پهلونهم ● سابع شنباع هشتم اردیبهشت ۱۳۷۷ ●



اذین زنجانی

پرنده و نقوش تخصص دارد و بسیاری از آثار او در «نقاشیهای مجموعه وانگ شیلین» منتشر شده است. □

نقاشی در دانشکده هنرهای
زیبای کاربردی پکن استاد
دانشگاه مکتبه‌ای نقاشی و
خوشنویسی چین خدمت می‌کند.
او در نقاشی چشم‌انداز، گل و

زیادتی نایل شده است. او در سبک آزاد در نقاشی سنتی چین، متخصص است و آثارش در موزه‌های مختلف عرضه می‌شود. □

نقاشیهای رنگ و روغن
لی چانگ

اخذاً، لـ، خانگی، شصت و

اخيراً، لی چانگ، شصت و
ت ساله، از شهر «هفی» در
ن «آنهوی» به عنوان نایب
س انجمن «فن نمایش و
صحنه پردازی» و استاد واحد
نمایش و صحنه پردازی
سه مرکزی نمایش چین

آثار او در نمایشگاههای
د به نمایش درآمده است.
که در نقاشی رنگ و روغن
قصص دارد، در بسیاری از
سورها از جمله آمریکا،
شگاههای انفرادی برگزار
است. □

نقاشی آزاد در
سبک سنتی مین

وانگ هوئی چون (Wang Huichun شصت و هفت ساله، هنرمندی حرفه‌ای در تودوی نقاشی پکن است. او در حال حاضر، یک مشاور برای ارشد است، تخصص نزد ادانی مانند استاد لیوهایس، ش دیده و به موفقیت‌های

محورهای شخصیتی انسان چیست؟

ابعاد شخصیت و ارزش انسان حول چند محور است که بر یکدیگر ترتیب منطقی دارند. این محورها عبارتند از: بینش انسان؛ باوری که در پی بینش پدید آمده است؛ عملی که مطابق باور انجام می‌شود؛ آثاری که عمل بر روح انسان می‌نهد.

انسانی که بیش از تجاعی دارد و غایت خلقت را
پوچی می‌داند، مطابق همین بیش به باور رسیده و
عمل می‌نماید و شخصیتش را شکل می‌دهد. چنین
شخص به معنی حقیقی یک مرتجع است.

برخی معتقدند آنچه شخصیت انسان را شکل می‌دهد اهداف انسان در زندگی است؛ مثلاً شخصی که هدف اصلی زندگی را خدمت به هموع می‌داند، همین هدف شاکلهٔ شخصیت او را می‌سازد.

.....

[illegible]

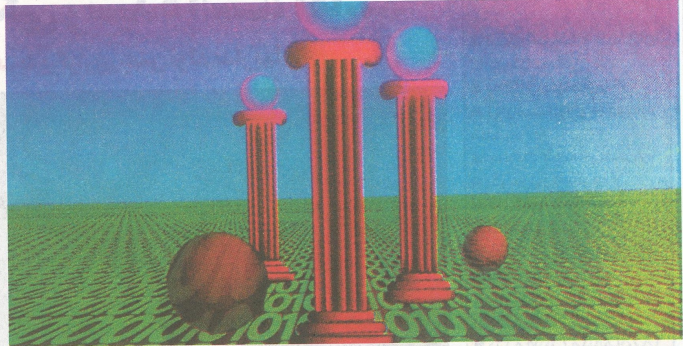
کاریکاتور ہفتہ



اقتدار فرهنگی

استقلال اقتصادی میسر است، اگر...!

محمد علی زید



تولید، با ابتکار، اختراع، خلاقت و ثروت آفرینی، فرین است و توزیع، همراه همبستگی یکنواختی، مصدراگرایی، دلالی و اسوگرایی است. در جوامعی که اقتصاد بر پایه تولید است، هرچه ملی اقتصاد روز به روز رونق بیشتری پیدا می‌کند و در عوض، ممالکی که به توزیع روی می‌آورند، روز به روز وابسته‌تر و دچار شکاف طبقاتی بیشتر می‌شوند.

صد الفسوس که از یک قرن پیش، بیگانگان استعمارگر، اقتصاد ملی را بر پایه مصرف طراحی کردند. دولتها و سیاستمداران زیر سلطه نیز بر بستر این طراحی سلطه‌طلبانه، قوانین و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی را تصویب و صادر کردند و به تبع آن، نهادی تشکیلاتی و جریان تبلیغاتی و رسانه‌ای و نظام پولی و بانکی و کمکرات و صادرات و آموزش و تربیت و دانشگاه‌ها و... در ضدیدت یا بیگانگی با تولید و در جهت افزایش روحیه خدماتی و خط توزیع آن سیر کردند.

یکی از مظاهر انقلاب اسلامی، تبیلی روح خودکفایی و استقلال اقتصاد ملی بود. دو دهه کار تلاش، موجب کسب انواع تجربه‌ها، آسیب‌پذیری‌ها، ضایعات و موفقیت‌ها بوده است. آنچه به عنوان دست‌آورد اقتصادی این دوره غیر قابل اغماض است، قبول و پاسور امکان دستیابی به استقلال اقتصادی است. علیرغم آنکه رژیم‌های قاجار و پهلوی، شیرازه ثروت آفرینی کشور را از هم گسیختند و اختیار آن را به بیگانگان سپردند، هنوز ظرفیت ملی و استعداد ایرانی این قابلیت را دارد که اقتصاد خود را به مرتبه بالایی از اقتصادهای موفق جهانی برساند. اگر مشکل دیروز و امروز و فردا ما اقتصاد است، می‌بایستی همه چیز در جهت و خدمت به دفع و رفع نااهنجاهای اقتصادی و تقویت بنیه اصول و فروع یک اقتصاد سالم قرار گیرد و این کار نیازمند میدان یافتن عزم‌های مردانه، و حاکمیت تفکر ثروت آفرین مردانی است که پیش‌تر در شغای یزرگ، امتحانی

خوشبخت مهر

علم‌گرایی با دین‌گرایی

منافات ندارد

از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

ما باید روح علمی و علم‌گرایی را در همه سطوح در جامعه به وجود آوریم. این علم‌گرایی چیز بسیار مهمی است. البته بعضی به غلط خیال می‌کنند علم‌گرایی با دین‌گرایی نمی‌سازد. در این چند سال اخیر دیدم بعضی‌ها که اغراض سیاسی دارند- و ما آنها را می‌شناسیم، شاید عموم مردم ندانند که این آقا چه غرضی دارد، لکن ما چون افراد را بیشتر از روی سوابقشان می‌شناسیم زودتر بر ایمان قابل حدس است - و بعضی هم غرض سیاسی ندارند، اما علم‌گرایی را تشویق می‌کنند برای اثبات این معنا که دین‌گرایی که امروز در جامعه ما رواج دارد، با علم‌گرایی منافات دارد، یعنی با علم‌گرایی می‌شود به دین‌گرایی مردم صدمه زد. لکن اینها اشتباه می‌کنند چرا که دین اگر دین اسلام است که ما امروز طرفدار آن هستیم، دینی است که انقلاب می‌کند، دینی است که سرازیر برای میدانها درست می‌کند، این دین مردم را به علم عروت می‌کند. اصلاً علت اینکه مسلمانها توانستند برای مدت چند قرن مشعل علم را در دنیا به دست بگیرند آن هم در سطح بالا نه در سطح پایین - یعنی امروز نظرات خوارزمی یا نظرات ابن سینا هر کدام در رشته خودشان نظرات منسوخ شده‌ای نیست و نظراتی است که هر چند روی آنها نظراتی آمده و تکمیل شده اما نظرات باطلی نیست و صحیح است - همه از دین اسلام ناشی شده است، یعنی عامل اصلی که توانست مسلمان را به اوج علمی برساند این اسلام بود.

آیت الله العظمی خامنه‌ای:

■ آثار شهید مطهری، مبنای فکری جمهوری کنونی ما است. نقش استاد در اندیشه اسلامی یک نقش بارزی بود. یعنی نظیر یا بی نظیر و بهترین کتابهایی آنهم در حجم بسیار زیاد در زمینه اندیشه سالم و استوار اسلامی را مرحوم مطهری فراهم کرده و تهیه کرده و نوشته، هیچ یک از متفکرین زمان ما فراورده‌های چون مطهری ندارند. تنها کسی که از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت خوب‌ترین فراورده را تقدیم محیط اندیشه اسلامی کرده، آقای مطهری است. انقلاب ما یک انقلابی بود که از گسترش و نفوذ اندیشه اسلامی در فکر مردم شروع شد، یعنی اگر متفکرین اسلامی در طول ۱۵ - ۱۶ سال تفرک اسلامی را گسترش ندهاده بودند، یقیناً این انقلاب به این شکل وجود نمی‌آمد این باور اسلامی بود که مردم را اینطور می‌کشاند و به شکله مبارزه این باور و متفکرین اسلامی بوجود آورده بودند، یعنی کسانی که در گسترش اندیشه نوین اسلامی در طول این ۱۵ - ۱۶ سال نقش داشتند البته کسانی هم بودند که قبل از ۱۵ - ۱۶ سال نقش داشتند که خود مرحوم مطهری از این قبیل بود اما عمده‌اش از ۴۱ - ۴۲ به این طرف بود که گسترش و نفوذ تفکر اسلامی بوجود آمد، مرحوم مطهری جزو کسانی است که قبل از شروع مبارزات نیز، در این میدان نقش مهمی داشته است. آقای مطهری در پیروزی این انقلاب بلکه در پیوند آوردن این انقلاب نقش بسیار مؤثر داشتند.

زنان و بازار کار

● ترجمه: سیمین موحّد

اشاره: مطلب زیر درباره وضعیت شغلی زنان غربی پیوسته امریکایی است. اما از بسیاری جهات با توجه به نظام شغلی واحدی که تحت تأثیر جوامع غربی در همه‌جای دنیا پیر ریخته شده است، اوضاع عمومی زنان شاغل نیز - اگرچه نه در همه موارد - مشابه چیزی است که نویسنده اشاره کرده است.

زنان، طی سی سال گذشته، موفقیت عظیمی در بازار کار کسب کرده‌اند. زنان نیمی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و در حال رسوخ در عالی‌ترین سطوح مدیریت هستند. اما برای بسیاری از زنان، انقلاب بازار کار، دشواریها و پیچیدگیهای خود را به همراه داشته است. در نظر سنجی که در سال ۱۹۹۵ توسط مجله «فورچون» (Fortune) به عمل آمد، آشکار شد که از میان سیمصد مدیر زن که با آنان صحبت شده بود، درصد آنان از یک تغییر عمده و عظیم در زندگی‌شان سخن گفتند. تحقیقات دیگری نیز نشان می‌دهد که در حال حاضر، زنان به دنبال ایجاد یک توازن میان زندگی حرفه‌ای و زندگی خانوادگی‌شان هستند. در این راستا، بسیاری از زنان شروع به کسب و کار برای خوششان کردند.



کتابی که اخیراً تحت عنوان «وقتی زنان دیگر کار نمی‌کنند: زنان، کار و هویت» به قلم الیزابت بئر مک کنا، منتشر شده است، این مسائل را به طور وسیع، مورد بحث قرار می‌دهد. همسرانشان نیز کاملاً وقت به وقت نویسنده حاصل شده، به مشکلات ویژه زنانی که خصوصاً در یک دهه اخیر به دستاوردهای چشمگیر در حرفه‌های گوناگون نائل شده‌اند، نظر می‌افکند. این زنان همچنان که به دنبال ناهادی سنتی موفقیت، یعنی حرفه‌ای سخت، پول و قدرت هستند، می‌پندند که زندگی شخصی و خانوادگی رضایت‌بخش دور افتاده‌اند.



در حوزه شغلی خود برآمد. اما با تثبیت صنعت نشر و تغییر شرایط آن، مک کنا، دید که کار شدید و طاقت‌فرسای او به اضافه فشار کارهای خانه و نگهداری از یک بچه کوچک، تمام وقت و انرژی او را چنان می‌گیرد که دیگر برایش قابل تحمل نیست و به این ترتیب، مؤلف آغان می‌کند، یکی از دلایلی که او توانست کارش را ترک کند، این بود که همسرش «شغل خوبی» داشت و به این ترتیب، زندگی‌شان از کار نکردن او چندان صدمه نمی‌دید. او تأکید می‌کند که بر اساس آمار قرار می‌دهند، بنابراین، هر چند حامل از قریب دو بیست صاصیه و تحقیقات به عمل آمده از زنان هزار دیگر، بسیاری از زنانی که قادر نیستند کار خود را ترک کنند، به شدت، نیازمند حفظ موازنه مالی در زندگی خویش هستند. تعداد اندکی از زنان هستند که می‌خواهند تمام وقت در خانه بمانند؛ اغلب زنان تشنگشان را دوست دارند و می‌خواهند به کارشان ادامه دهند. این زنان، زنان صدمه متاثر، صاحب فرزند و بدون فرزند از شمول می‌شوند و مشاغلشان از بانکداری تا بازرگری را دربر می‌گیرد. ۵۵ درصد زنانی که در مصاحبه‌ها شرکت داشتند، گفتند که بیش از نیمی از درآمد خانواده‌ایشان را تأمین می‌کنند.



خانم مک کنا، می‌پرسد: «چطور زنان می‌توانند بدون اینکه کارشان را ترک کنند، زندگی‌شان متوازنی داشته باشند؟» او می‌گوید: «باید زمان را مثل یک گنج دانست؛ به قول معروف، وقت طلاست.» وی ادامه می‌دهد: «کسب درآمد، زنان را از قدرت و آزادی و هویت مستقلی سبوی شوهر و خانواده‌شان برخوردار می‌کند.» اما او هشدار می‌دهد که تلاش دائمی جهت خرید اجناس مصرفی و وابسته شدن به بازار مصرف، هم زنان و هم مردان را اسیر دور باطل کار کردن بیشتر و بیشتر می‌کند، و بهانه‌ای که برای این امر پرداخته می‌شود، بسیار ناصحیح و نادرست است.

خانه «این فرصت را ایجاد می‌کند که کودکان چه در مهدکودک و چه با خویشاوندان دیگر خود، رابطه نزدیک با دیگران برقرار کنند».

به اعتقاد پیترز، احساس گناهی که در مادران شاغل ایجاد می‌شود، ناشی از تلاش برای کسب هدف غیرواقع‌بینانه است، و وقتی سیاستمداران از کاهش ارزشهای خانوادگی سخن می‌گویند، انگشتشان را به طرف مادران شاغل نشانده می‌روند. مؤلف مثالهای فراوان از خانوادگی‌هایی ذکر می‌کند که به اتحای مختلف، سعی کرده‌اند مسئولیتهای کار بیرون و کار در خانه را با یکدیگر تقسیم صاحب بسیاری از این افراد، صاحب کسب و کار خودشان هستند و لذا از انعطاف ساعات کار بهره‌مندند. اما به هر حال، «هل معالی امراتی که کار می‌کنند، در این است که مادران بخشی از مسئولیتهای خود را مبنی بر پرورش کودکان، کنار بگذارند و بقیه - پسران، سایر افراد خانواده، کارفرمایان، و حکومت - مسئولیت بیشتری تقبل کنند».



در پایان، این هر دو کتاب و نمونه‌های مشابهی که به طور روزافزون شاهد آنها هستیم، نشانگر تغییر عمیق در جوامع غربی است. آنها می‌گویند، کارفرمایان باید طرز برخورد خود را تغییر دهند و بر اساس توانایی‌های کارکنان برای تکمیل

توجه کلی

نمایشگاه سفال و سرامیک
شهر گل
توجه جزئی
«معماریات ناب نوروز ۱۰/۱ تخفیف»
تولید و عرضه کنتره سفالهای تزئینی و آبارورهای مختلف - آبنماهای سفالین خوشه‌های سرامیکی و منقار
چهار سو شهرری
نرسیده به فکله
دولت آبار شلع غنوبی
کمربندی از لوگان
تلفن: ۲۷۲۳۲۹۳

بزرگسالان بی‌قرار همان
کودکان بی‌قرارند
اختلال کمبود توجه در زندگی
پل و ندر
مینو پرنیانی
بزرگسالان بی‌قرار همان
کودکان بی‌قرارند
اختلال کمبود توجه در زندگی
پل و ندر
مینو پرنیانی

■ هدايت الله بهبودى



معرفت شنهای طبس



مشابه این تجاوت‌ها در آشکار نگاشتن از سوی آمریکا به کشورهای کمونیستی و غیرمستقل در قوت گرفتن طبع کم‌بخت، کم‌نیست. مهمترین این عملیاتی است که به نام «خبر مخفی خوکها» معروف بوده است. این عملیج بود که توسط آمریکا به باغی‌مندی‌ها و گروه‌های ضد انقلاب با هدف تسلیح کردن و عملیاتی علیه انقلاب نوپای قیدل کاسترو صورت دادند که در طبع مردم کوبا به شدت سرکوب و پوچه دیگری به پایکامی شکستهای آمریکا اضافه شد. مردم کوبا هر سال این روز را به عنوان یک روز بزرگ و غرور غریز می‌دارد.

ممکن است حادده طبیس طرفدار آمریکا، به بخشی از ماجراجویی‌های سیل‌طغیان‌انگیز باشد که هست، اما این مسخرانه در حالی که یک معجزه الهی، خود را به نشان داده است. باور دارایی که دشمنای طغیان‌ها از شب، فیل‌های غول‌پیکر آمریکا را در طعین به آن شکست کردند. این شب آنراست که دشمنان به طعین می‌توانند از آن خبر مسورت بگیرند. کسی نمی‌دانست که این شب، طبیس تنها نیست، ما به‌دکار دوستی خدا با انقلاب هستیم، قوت سرهنگ کیو، در وای و در افتاده خود در نهایی هر قطع کتاب خاطراتی از حمله به طبیس را به یاد داشت، در حال حاضر که از این معجزه بزرگی خوش ساداده در دست داریم، حرف ما این است: «باید به اندازه دشمنای طبیس برای دوست داشتن انقلاب، معرفت داشته باشیم.» □

■ در تفسی سرهنگی

خرید، فروش و لوازم جانبی کامپیوتر
 ماشینهای اداری، فتوکپی و موبایل
 ۰۹۱۱۲۲۳۲۲۳۷-۲۲۳۴۴۴۵

بزرگراه صدر، ۳۵ متری قیطریه
بروی پارک قیطریه، بازارچه قیطریه، شماره ۳

کاج انشورماتیکی

شما هم می‌توانید کامپیوتر داشته باشید
تلفن تماس: ۸۵۶۷۸۵-۸۵۸۰۲۵

کشورهای که به‌تعدادی معمولاً از جوامع پیشرفته‌تر به‌شمار می‌آیند، این اقبال را دارند که دوره‌های خود را به سرعت پیش می‌برند؛ در حالی که جوامع غنی‌تر سیاست را تنها به‌دخالت رسیده است اما در جوامع غربی به‌دست فرهنگ‌ها و زورمندی و تأثیر حادان سیاست و حکومت بزرگ‌تر بسر می‌برد و چون طبیعی‌ترین سیاست، این رشد و بالندگی از آن گرفته می‌شود به‌منظور دلیل، در تفاوت آشکار بین این دو گروه از

مؤسسہ فرهنگی - انتشاراتی | آزادہ پبلشرز

فرهنگ کاوش

معرفی می کند:

نمایشنامه

جرج برنارد شاو

ترجمہ: فضل... نیک آئین
تلفن مرکز پخش:

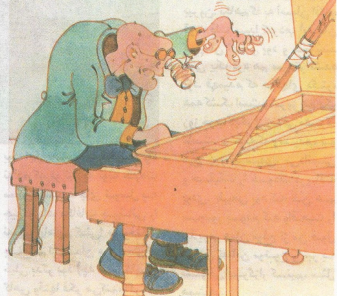
64.1881-646221.

خانم سرگرد باربارا
برنارد شتاو
آپریل ۱۹۷۵



ریشه‌های موسیقی فولک آفریقایی و اروپایی در آمریکا

■ امیر رضا نوری زاده



موسیقی بیلی هیلز» انتکو -
 آمریکایی اولیسه در واقع از
 سرودهای آمریکایی، به‌های
 جداسازی، آوازهای رقص و
 آوازهای بدون کلام مذهبی
 «تاکتیکس» و «پارلاند» -
 اسکاتلندی - سرورشمه
 می‌گرفت که به سرعت تحت
 تأثیر موسیقی «بلوز» آمریکا -
 و موسیقی قرار گرفتند. این
 شکل خلق آمریکایی، البته‌ای
 جنبی در مقایسه با بخش
 صنعتی شمالی، فقیر و ویران
 بوده و روند رقص‌های روستایی
 جنوب، تمام زمانی طولانی،
 تحت تأثیر رسوم زندگی
 فزارته از شکل قرار گرفت
 و امروزه، «دان آتلانتا» تنها
 جایی هستند که می‌توان
 موسیقی آمریکایی را در
 سنتی ریشه شکل خود شنید.
 گذشته از آوازخوانی،
 موسیقی «بیلی هیلز»
 براساس سنت کنواری و بیان

آمریکایی، قدیمی‌تر و باور
به وجود او دارند. اما بلوز
روستایی (Rural Blues) به
ریشه در دوران برده‌داری و
عکس‌العمل‌های پریشان‌سایه به
شرایط اجتماعی جهان
داشت، یعنی سبکی از
شوشه، پستی آفریقا -
آمریکایی است که بیشترین
تأثیرات آفریقای را پذیرا بوده
است. برده‌ها و آوازهای کار،
اجامه‌کنندگان سبک خوانندگی باز
بود چرا که مستقیماً از ارتباطات
اجتماعی افراد قبایل آفریقای
نشأت گرفته‌اند. عادت
داشتند از آوازخواندن به‌عنوان
یک محرک و رزمیک در حین کار،
استفاده کنند.

یکی دیگر از سبکهای موسیقی (Ragtime) - آمریکایی، تا به (Ragtime) نام دارد که ترکیبی از مارش‌های اروپایی و رقصهای دسته جمعی سیاهپوستان است. هرچند این سبک که به صورت سنتی به وسیله یک پیانو و در وی نواخته می‌شود، ولی می‌توان در میان نوازندگان محلی در اقصای ساختار اولیه این سبک، حسنی و بداهت‌نوازی را به وضوح شنید. «بلوز»، «رگ تایم» - «اسپریچال» - «پانیدی» - «سبکهای مشهور آمریکایی» - «آمریکایی» - «موجون» - «جز»

ریتم و بلوز (Rhythm and Blues) به شمار می‌آیند به هر حال، با وجود تمایل موسیقی اروپایی بر تکیه بر متن و هارمونی که در نقطه مقابل موسیقی آفریقایی با گرایشهای

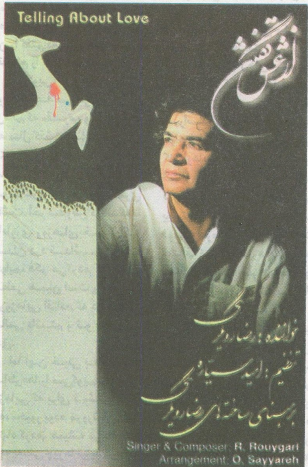
م تفاوت همچون پیچیدگی پولی
ریستمیک و انحراف از خط
ملودیک قرار دارد، هر دو اینها در
کنار هم فرهنگ موسیقی
آمریکایی را تشکیل دادند که
آغازگر حرکت‌های هنری نوینی در

صمیمانه

امّا کسالت بار

○ دربارهٔ نوار «از عشق گفتن»

■ کیارش علیزاده



«از عشق گفتن» بر مبنای ساخته‌های رضا رویگری و به او تانگه‌ای خواب و با تنظیم امید میار، توانا نویدیه است. اخیراً به دو بار عرضه شده است. قطعه‌های تازه، بیشتر ترانه‌هایی هستند که در حال و هوایی سناگونه با شعرهایی از شاعرانی بزرگ که به ضرب قلم و تئوستر و ساز «تلاش» و «شهر» و حال و باران‌گفته‌ای البته کمی دوستانه و بی‌شعورانه و هوایی به دور است و در بستری آرام نقشه‌ها را سرمی‌دهند. «پاره‌ام کی می‌آید» که دستمایه‌ای (تم) محلی دارد و سرمی‌دهد. «پاره‌ام کی می‌آید» که دستمایه‌ای (تم) محلی دارد و سرمی‌دهد. «پاره‌ام کی می‌آید» که دستمایه‌ای (تم) محلی دارد و سرمی‌دهد.

قطعه‌ها در مجلات موسیقایی ساداهای می‌آیند که از تنوع چرخش ملودیک چندانی ندارد؛ با سادایی که گه‌گاه صمیمانه و ته دل می‌خواند، اما در یک‌نوازی و یکنواختی خوشی، سگاست می‌آورد و با چود ششمانی ساداسه گانگوه در آن کبرها، رام و اسامی پدید می‌آید؛ چرخش تصنیف‌ها اغازی نسبتاً خوب و مورد در هر قسمه‌ای از خوانندگی و هم در صورتی ملو صراحت لو مشرق، اما اسامی از آن به جهت آنکه خدمت موسیقایی تصنیف‌ها شده‌ای با پشتوانه ندارد و غریزی و خام است، در حال تکثیر است؛ با چرخش‌هایی که ملودی و موسیقی و تحریرهای من‌ازم‌آوردی و بازی با فواصل و تانگن و هم‌ان‌ان ساداسه غنلند و از آن چیزی را که موسیقی به معنای واقعی آن است، یا رفتارهای بی‌نی‌پز می‌کند.

رضا رویگری در اوایل انقلاب با کاری در ارتباط با وضعیت آن زمانه، اشتها یافت. نام آن کار یا قطعه را نمی‌دانم، ولی مصراع معروف آن چنین بود: «ایران ایران ایران، رگبار مسلسل...». شهرت این قطعه بیشتر از آن جهت است که مبین و تداعی‌کننده حال و هوای آن روزها بوده و هست و نه زیبایی ترانه و چیزی دیگر.

رضا رویگری در این کار تازه، شعرهایی را انتخاب کرده که صدای او بالقوه توان پرداختن به آنها را ندارد؛ صدایی که قادر باشد تغیر و عریضه‌های مستانه و یا تجوایی عاشقانه را به یارها آورد و در زوایای تاریک و ناخودآگاه ذهن شنونده شعله افکند و او را به وجد و حال آورد. □

عامه مردم کدام موسیقی را بیشتر می‌شنوند؟

زین حجاب جسمانی

■ آریا کیری



رکن اجرا و ریتم (ضربانگ)، چهارمین پایه در ساخت «آهنگسازی» است. ضربانها با استفاده از ریتم «سیتی سایزر» و گاه نیز با کمک ضرب دولولو یعنی تنبکی که به تمپو بسته شده است، شکل می‌گیرند و اکثراً سبک است که سالهاست، ما این نوع ضربانها را پیونگ می‌نامیم. شاید علت شیوع این ضربانها را بتوان در اختصاصات موسیقی دربار سلسله قاجار دید.

اگر از چهار مضربابهایی ردیف دستگاہی موسیقی بگیریم، رنگهای آخر این ردیفها نیز ضربانهای مناسبی برای سماع مجازی است (در مقابل سماع عارفانه). اگرچه نویسنده محترم کتاب «فتت دستگاه موسیقی ایران» (آقای مجید کیانی) معتقد است که این رنگها برای رقص نیستند و رنگهایی با عناوین رنگ پا، رنگ چرخ، رنگ نخستن و غیره، رنگهای رقص هستند، اما اگر هم آن رنگها برای رقص نباشند، می‌توان با آنها سماع مجازی داشت. در حال، ایجاد این فوق و تمایل به این حرکت (سماع مجازی) به شادی تغییر می‌شود و به دلیل همین ضربانهاست که مردم به این آهنگسازیها، موسیقی شاد می‌گویند.

از جهت منطق (پاتوجه) به آقای احساس)، آیا هر آهنگی می‌تواند تمایل به سماع مجازی، نشاطانگیز و شادی‌آور هستند؟ فلاسفه و سایر صاحبان اندیشه برای نشاط و شادی تعاریفی دارند؛ عده‌ای زایل شدن رنج و غم را موجب شادی می‌دانند، بعضی ایجاد آرامش در درون را شادی می‌دانند و بسیاری هم جاتی که انسان را به شوق اسیدی برانگیزند و یا به توقیفی نبود دهد... در هر حال، هرچه باشد، تمایل می‌یافت و رقاصه‌ها هم برای رقص به رنگ، که این به تدریج از خاص به عام رسید و... بهر صورت، اگر بخواهیم موسیقی شاد را شرح دهیم و یا معنی کنیم، باید در پی آن نوع از موسیقی باشیم که یا زاینده غم‌ناک باشد، یا زاینده آرامش‌بخش و یا القاکننده فانی موسیقی دستگاهی برای آقای چه احساسی می‌توان بهره گرفت. شعراهای «کاروان سمدی» را که قصه غمناک قراق یار است، هم در فواصل رنگ القای شادی را دارند، کدامند و چگونه؟

افشاری» و هم در «دشتی، اجرا

نوروزخوانی: ترانه‌های بهاری

■ کیوانی کیانی



کتاب کوچک «نوروزخوانی» نوشته موسیقی‌شناس و پژوهشگر سختکوش موسیقی لاهی ایران، محمدرضا درویشی، دربرگیرنده بیست و پنج ترانه نوروزی و بهاری است. نمونه‌های بهاری و نوروزی این دفتر کم‌حجم «از نواحی مازندران، گیلان، تالش، جنوب خراسان و بستک در استان هرمزگان گردآوری شده و برای نخستین بار به ثبت رسیده است». «نوروزخوانی» شامل دیباچه، مقاله کوتاه درباره «چشم نوروز»، «نوروزخوانی و نمونه‌های نوروزی»، جدول آوازنگاری و سرانجام، متن اصلی یعنی «ترانه‌های نوروزی و بهاری» به همراه ت آهنگهایی است که در این دفتر گردآوری شده‌اند.

گردآورنده ترانه‌ها، این اطلاع را نیز می‌دهد که جزوه «نوروزخوانی» شکل ساده‌شده‌ای از کتاب «خیاگران نوروزی» است که در دست پژوهش می‌باشد. «در بخش «نوروزخوانی و نمونه‌های نوروزی»، به ایجاز شرحی درباره آیین نوروزخوانی و پیشینه آن آمده است و پرده‌ای از ویژگیهای نوروزخوانی و نوروزخوان پرشمرده شده است که از آن جمله‌اند: غیر حرفه‌ای بودن خیاگران دوره‌گردی که این نمونه‌ها را با بازه دور آخر سال تا قرا رسیدن بهار در آبادیا و محله‌ها سر می‌دادند و توان بداهه سرایی و حافظه قوی شعری آنان و اینکه نمونه‌های نوروزخوانی بسیار ساده و روان است. این سادگی و روانی به آن دلیل است که نوروزخوانان معمولاً موسیقی‌دان حرفه‌ای نبوده و از جمله مردم عادی روستا بوده‌اند. همچنین مخاطبین اصلی نوروزخوانی که مردم عادی روستا بوده‌اند در سادگی و آلاش نمونه‌های نوروزی مؤثر بوده‌اند. جمله‌های موسیقی اغلب کوتاه‌اند و دامنه صوتی آنها معمولاً از یک «تراکورد» فراتر نمی‌روند. این جمله مرتب تکرار می‌شود و یا هر تکرار، به خاطر انطباق با شعر، تغییرات چندانی را پذیرا می‌شود. نوروزخوانی یک موسیقی صرفاً آوازی است، گردآورنده در ادامه پژوهش خود به نوع دیگری از نوروزخوانی نیز اشاره می‌کند که آن را «ترانه‌های بهاری» می‌نامد. وی می‌گوید که این ترانه‌ها، معمولاً در نواحی‌ای از ایران متداول بوده که «این نوروزخوانی بدان گونه که ذکر شده در اینجا رواج نبوده است، و به جهت آنکه این ترانه‌ها توسط خیاگران دوره‌گرد حرفه‌ای اجرا می‌شد، معمولاً از پیچیدگی بیشتری برخوردار بوده و از نظر فرم نیز تشک یافته‌تر می‌باشند» و معمولاً توسط یک یا چند ساز همراهی می‌شده است.

نکته دیگر اینکه پژوهشگر گوشه‌های «نوروز عرب»، «نوروز صبا» و «نوروز خارا» را که در ردیف دستگاهی موسیقی ایران در دستگاههای «راست پنجه‌گاه» و «همایون» اجرا می‌شوند، «بازمانده» و «معمولاً از پیچیدگی بیشتری برخوردار بوده و از نظر فرم نیز تشک یافته‌تر می‌باشند» و معمولاً توسط یک یا چند ساز همراهی می‌شده است.

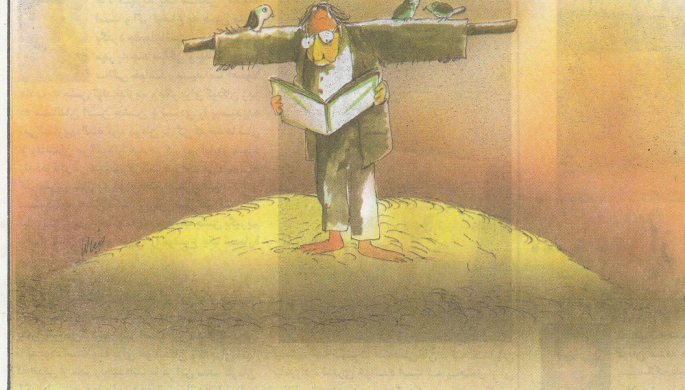
نکته دیگر اینکه پژوهشگر گوشه‌های «نوروز عرب»، «نوروز صبا» و «نوروز خارا» را که در ردیف دستگاهی موسیقی ایران در دستگاههای «راست پنجه‌گاه» و «همایون» اجرا می‌شوند، «بازمانده» و «معمولاً از پیچیدگی بیشتری برخوردار بوده و از نظر فرم نیز تشک یافته‌تر می‌باشند» و معمولاً توسط یک یا چند ساز همراهی می‌شده است.

در بخش ترانه‌های نوروزی و بهاری، نام نواحی‌ای که در آنجا نوروزخوانی خوانده می‌شد و نام سازهای همراه با نام روابان آنها آمده است و در چند مورد که دسترس به شعرها امکان پذیر نبوده، به همان آوازنگاری (ثبت نت موسیقی) تنها اکتفا شده است.

چشم انتظار پژوهش اصلی محمدرضا درویشی این بار بهر هشتی، با نام «خیاگران نوروزی» که نویسنده را در صفحات همین دفتر داده است.

اگر ما زور داشتیم...

■ ابوالفضل زرویی نصرآباد



یک مورچه‌ای بود در ولایت غربت که روزها می‌رفت به صحرا و گندم و جو جمع می‌کرد، برای زمستان. یک روز که رفته بود برای جمع کردن غله، یک دانه گندم پیدا کرد و به نیش کشید و حرکت کرد به طرف لانه‌اش. ناگهان باد وزید و دانه گندم را از دست و دهان مورچه گرفت و با خودش برد.

مورچه به باد گفت: ای باد، تو چقدر زور داری! باد گفت: پدرازمزید، من اگر زور داشتم که برجهای بالای شهر، راهم را سد نمی‌کردند. مورچه گفت: ای برجهای بالای شهر، شماها چقدر زور دارید! باد گفت: پدرازمزید، من اگر زور داشتم که نیازمند رأی مردم نبودیم. مورچه گفت: ای مردم، شماها چقدر زور دارید! باد گفت: پدرازمزید، ما اگر زور داشتم، بمال به جاس نسیم می‌داد. مورچه گفت: ای بمال، تو شهر دار گفت: من اگر زور داشتم که قوه‌قضاییه مرا دستگیر نمی‌کرد. مورچه گفت: ای قوه‌قضاییه،

چقدر زور داری! کشاووز گفت: من اگر زور داشتم که از ترس تو گندم‌هایم را توی انبار قایم نمی‌کردم. مورچه یک کمی رفت توی فکر. بعد ناگهی به بازوهایش کرد، سینه‌اش را داد جلو و رفت.

چقدر زور داری! دختر کنکدا گفت: اگر من داشتم که زن کشاووز نمی‌شدم. مورچه گفت: این کشاووز، تو چقدر زور داری!

سالنامه اطلاعات پزشکی و مراکز پزشکی

بهترین هدیه نوروزی برای عزیزانتان

شماره ثبت: ۹۰۸۵

کانون پژوهش و کاربرد زبان بین‌المللی اسپرانتو

ارائه هر گونه اطلاعات درباره زبان اسپرانتو

آموزش حضوری و مکتبه‌ای زبان اسپرانتو

کتاب، نوار، فیلم آموزشی، CD، نشریات اسپرانتو

تلفن: ۸۵۰۵۲۹، ۸۴۲۵۵۰، ۸۷۴۴۵۰

نمابر: ۸۷۴۴۵۰

تهران، صندوق پستی: ۱۸۴-۱۷۷۶۵

پست الکترونیکی: IRKJO@meda.net

اسپرانتو، زبان دوم برای همه

سبزاندیشان

شماره ثبت: ۹۰۸۵

کانون پژوهش و کاربرد زبان بین‌المللی اسپرانتو

ارائه هر گونه اطلاعات درباره زبان اسپرانتو

آموزش حضوری و مکتبه‌ای زبان اسپرانتو

کتاب، نوار، فیلم آموزشی، CD، نشریات اسپرانتو

تلفن: ۸۵۰۵۲۹، ۸۴۲۵۵۰، ۸۷۴۴۵۰

نمابر: ۸۷۴۴۵۰

تهران، صندوق پستی: ۱۸۴-۱۷۷۶۵

پست الکترونیکی: IRKJO@meda.net

باشگاه بدنسازی یاسین

با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین وسائل و ماشین‌های بدنسازی (ایرانی و خارجی) و مجرب‌ترین مربیان با حکم مربیگری بین‌المللی و ورزشکاران و علاقمندان به رشته پرورش اندام ثبت نام بعمل می‌آورد.

فروش فوق‌العاده

مدرن‌ترین سیستم‌های کامپیوتر 686 و Pentium

2.1 GB H.D.D (Quantum)

16 MB Ram (Panasoft)

14 Monitor (Gold Star)

Extra Mini Tower Case

104 Key Keyboard (FK - 6200)

1.44 MB F.D.D (Teco)

4 MB Graphic Card

Mouse (Genius)

قیمت: ۴۱۰/۰۰۰

تلفن: ۷۵۳۲۳۸۶-۷۵۳۲۳۸۶

ساعت‌کار ۶ صبح تا ۱۰ شب یکسره

آدرس: خیابان فردوسی شمالی، نبش چهارراه کوکب

تلفن: ۶۴۵۸۲۴۴



اصلی، که من رو به آن طرف خواب بینم و

«می‌گویند مرگ آنهایی را که می‌برد، بیایی و حسن‌هایشان را و چندنان می‌ند، اما باید گفت که معمولاً این زندگی مرگ، که به آنان لطمه می‌دهد است. بر اساس شاهد پارسا و پاکدامن، بر اساس سنت و نیکوکاری به ما می‌آموزد که در سستی معمولاً خوبی بیشتر از بدی است.»

این که می‌شده درباره مرگ گفته،

در بین راهیان هندوها، یک نوع کوفته است که به آن «پیندا» می‌گویند و آن را از آبلریج و سریشجات درست می‌کنند و به شکل گوله در می‌آورند. می‌گویند که تقدیم کردن غدا به این راهیان، امری مگران است. آنها به پیندا می‌گویند که پیندا، به روح پدر، مادر، اقوام پدری، اقوام مادری، و پسران و پسران پسران خود و راهیوم خود در گذشته‌شان از این سالی که در سال اول مرگ، می‌دهند، پاهای که بار داده می‌شود و پسران از این سالی که بار، در سالوز و پسران دیگر است. در پیندا، کشته‌شان، این مراسم برای همه پسران بیشتر از آن است. چون تمام پسران، به همراهِ مادر و اجداد و ابراهام است که در وقت خود بودند، و پسران از آن به مگران نخواهند رسید. اجداد و پسران برای آن است که روح در گذشته‌شان به کلی از زحمت کارهای و تشنگی حاصلی بیاید و در آن نوبت مستقر شود و زندگی تازه‌ای در راه بگیرد.

عکسهای این صفحه از آذین زنجانی

■ حسین یعقوبی

A close-up photograph of a hand holding a crumpled piece of newspaper. A small, vibrant red bird is perched on the edge of the paper. The background is dark and out of focus, suggesting an indoor setting with a lamp.

«... شب عید بود که شماره ویژه نوروز شما را دیدم یا پنجاه تومنی که تنها دارایی من به شمار می‌رفت آن را خریدم جداً که خیلی جذاب و عالی بود هنوز به صفحه سی آن نرسیده بودم که زن و بچه من از گرسنگی پیش چشمم تلف شدند -

تقدیم به سوسکی که صدقانه
قربان صدقه دست و پای بلورین
سوسکیک دلبندش می رفت. با
سلامی لیریز از عطر گلی، همچون
شبنم - شامپو شبنم (برای موهای
معمولی) - به خواننده عزیز که به
نخستین - که با غزلند و اخم و تخم، به عنوان باقی

آپریں... کہ با التماس و بہ نرخ تعدیل شدہ روزنامہ فروشانہ نشریات را ابتیاع می کردند - میمانیم ما در راهی برای کارنامہ ابتیاع خود را ورق می زنیم؛ مقالات خودمان را با شوق و شور و اندلسوالی برای چندین بار می خوانیم؛ و از کلمات مختلف تئوریکمان را در شمارہ های اخیر مجلہ نشان سر و ہمسر می دهیم و کلی خوش خوشمان می شود و بالاخرہ با یاوری این موضوع کہ محتاج بہ افزایش تیراژ نشریاتمان مجبور و محتاج بہ کوباندن پوستہ بر در و دیوار و پیشانی میوزیکال از تلویزیون شدہ ایم، بال بال می کشیم.

نیک می‌دانیم که کارمان درست است، در این موضوع نیز که خیلی زحمت می‌کشیم هیچ بحثی

نیست به علاوه می‌دانیم که شما عزیزان خواننده خیلی ما را دوست دارید. البته گاهی اوقات که برای آب کردن بیست تومنی بی‌گوشه‌تان همسفر ما

می‌سوید کلی پکر می‌سویم اما زیاد به دل نمی‌گیریم. آخر ما هم خیلی شما را دوست داریم،

که به خوبی از عهده توصیف عظمت کار ما برآمده‌اید
نقل می‌کنیم:

«... اولین باری که محله شما را دیدم سواد

حالا سهره به یک سالگی رسیده است و اگر اوضاع به همین متوال بگذرد چه ما باشیم و چه نباشیم، مهر به چند سالگی و چه بسا هفتاد سالگی خواهد رسید. ما اصولاً عادت به جشن تولد نداریم و مگر برای کودکان زیر ده سالمان! این جشن و شادی را پسندیده نمی‌شماریم. البته تولد مردان بزرگی که صدها سال رفاقتشان می‌گذرد از عید می‌گیریم، اما در مورد زندگیا فکر نمی‌کنیم و دردمست هم فکر نمی‌کنیم. گذر سن و سال به خودی خود هنری نیست که مستوجب ستایش باشد. و برای همین هم هست که نیاززی ندیدیم به رسم مهوود مجلات جشن بگیریم و ابراز شادی کنیم! «مهر» را موضوع یک شمارهٔ مهر قرار دهیم.

اما با همه این حرفها بعد از این یک سال در سربازبندی به سر نمی‌آید و اوضاع از آنچه می‌بینی بدتر می‌گردد بهتر است. این مدت نه تنها به یاد بوده است از خوار و خوار شدن و نه برآی آن که از کتانی از مهر نیت‌یافته‌ام. در این مدت کارمن کردیم، حرفهایمان را رد و دادیم، از صواب و نداشتن‌اشیم عمل کردیم. به هر حال هر کسی بنگلیانی دارد. ما کلیک‌مان همین غانغایی بود که سراسیمه کردیم و به دست سنا دادیم و احتمالاً من بعد از یک کلیک خواهیم بود به ادامه آن.

برای یکی که سال دوازدهم دبیرستان درگذشت
چیز است که می‌تواند دوست خوبیم، که در همه
می‌بوسند و غزل‌های مرا حاشی می‌کنند، از دست
خوابانده‌اند که به سلیب می‌روند و پدری و مادر
مسئول مهر که به قولی ما به کنار می‌روند، با
تشکر می‌باشند و امیدوارم این کارشان در نزد خداوند
ماجور باشد.

برای اینکه با این یکی سالگی شوخی هم کرده
باشیم از آقای یعقوبی خواستیم تا چیزی بنویسد که
تا دوست داشته و خواهد خواند. خود می‌گوید ادای
یکی دو دقیقه را در آورده که چون در عالم
شوخی است همکاران با او خواهد بخندید.

همه امید ما برای انتشار مهر به طالع مهری
است که قلمت نبیهای تاریخ را روشن کند.

ای هر طلوع کن توام که در باد و آبیام و شمع
در هجر رخت در تب و آبیام و شمع
با هر بز و با هر زار و با هر زشت و روشن ما
خفاش شمیم و در حجابیه هم

■ مخلص شما/
سوزید

• (دین حضرت امام (ع))

• از دیوان حضرت امام (ره)

ز کلیه هنرمندان کشور مخصوصاً جوانان
نرمند شهرستانی به منظور برپایی
مایشگاههای انفرادی و گروهی در زمینه
هنرهای تجسمی و سنتی و نظایر آن
عوت به عمل می آورد نسبت به تعیین
مکان نمایشگاه در جدول زمانبندی
اگراخانه عصرها با تلفن: ۳۷۶۰۷۷۶ -
۳۷۹۱۴۴۲۹ تماس حاصل گردد.

تعمیرگاه مجاز
شماره ۷ هیوندا
خدمات پس از فروش و
قطعات یدکی اصلی

شماره تلفن: ۹۸۵۰۹۲ - ۹۷۳۸۸۲
آدرس: اتوبان شیخ فضل‌الله نوری
از جنوب به شمال اول با ستارخان

سختی
ارتقا سال

قطعات بزرگ
اتصال آسان
برای
دستهای کوچک
با
اندیشه های بزرگ!

آموزشگاه هنرهای تجسمی
بانجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

طرح و رنگ

- طراحی
- مجسمه سازی
- نقاشی
- سفالگری
- خطاطی و ...

کتابخانه شهرداری - اردشیریه ۶ - تلفن : ۸۵۳۱۷۳

[illegible]

مرکز
خرید و
فروش
سیستمهای
صوتی و
تصویری
نقد و اقساط
تلفن: ۶۴۳۰۲۰

آوا و نما

فیلم و عکس (کلاسیک)
میکس و مونتاژ کامپیوتری (سینک)
صنعتی - تبلیغاتی - مجالس
۸۲۰۱۰۳۵
صالحی و روغنیان

آموزش پیشگام
PIONEER EDUCATION
(قابل توجه ساکنین محترم جنوب تهران)
تدریس و ترجمه زبانهای انگلیسی - فرانسه - ادبیات فارسی
توسط استاد: علی اکبر شریفی (مترجم صاحب اثر)
تلفن تماس: ۵۰۴۱۷۱۰

فارشاد راونش

شرکت شرفراد ایلانه

تلفن: ۷۶۳۹۷۶ - ۷۵۳۱۷۰

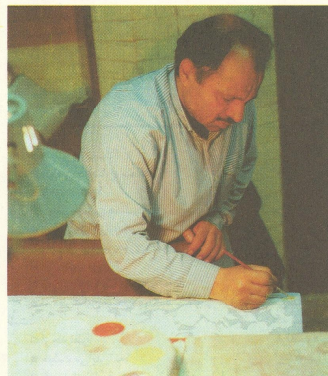
پست الکترونیک: farshad@shorrad.com

[illegible]

هنرمندی از میان زلزله‌زدگان

■ نسیم آتشین جان

اشاره شاید تا به حال، نام حسین رفاهی دهر را شنیده باشید؛ هنرمندی که نه صدای او می‌شنود و نه می‌تواند با تو سخن گوید. او در دنیای بی‌صدا و محسوسانه‌اش به نقش آفرینی دست می‌زند. او در لاک بی‌صدایی و تنهایی خود فرو رفته است و با چهره‌دستی نقش بر گل می‌زند و شاهکار می‌آفریند. نقش پرندگان لابی این هنرمند، انگار که می‌خواهد با زبان او، زبانی که تا به حال سخنی نگفته، با تو صحبت کند. رنگهایش صدا دارند و قلمش زبان است و دستش... حسین رفاهی دهر را در ساختمان میراث فرهنگی یافتیم.

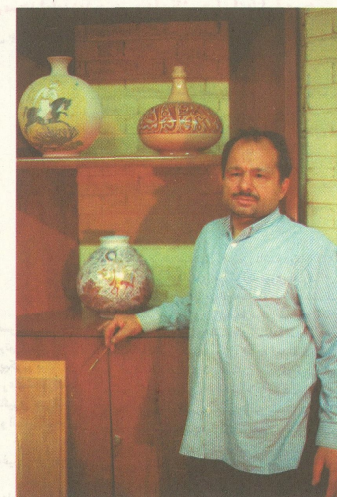


کارها را تحویل گرفتیم، غالباً صممه دیده بودند می‌شود و به طور کلی، آیا از وضعیت خودتان در ایران راضی هستید؟ طرهای که بیشتر دوست دارید؟ طرهای که احساساتم را از محیط اطرافم بیشتر بیان می‌کنند. من از روی انسانها طراحی یا نقاشی می‌کنم و چون به ظاهر توجه ندارم، سعی می‌کنم از جزئیات چهره و به

در سال ۱۳۴۹ در وزارت فرهنگ و هنر سابق، استخدام شدیم و کار خود را آغاز کردیم. اما چون پس از هشت سال کار در آنجا سال ۱۳۵۷ به کارگاه سفالگری و سرامیک منتقل شدیم و محیط کارگاه و آزادی عمل همکاران، مرا به کار بیشتر تشویق کرد و در حال حاضر در این کارگاه سمت استاد نقاشی سرامیک را دارم و در زمینه انواع لعاب و اکسید و غیره تحقیق، مطالعه و کار می‌کنم. شبیه کار شما چگونه است؟ نقاشی روی سرامیک چه مرحله دارد؟

وقتی که استاد سفالگر ظروف را می‌سازند، پس از اینکه ظروف کاملاً خشک شدند و رطوبت آنها از بین رفت، آنها را در کوره بزرگ آلمانی برقی در هزار درجه حرارت می‌دهند. پس از سرد شدن کوره که حدود دو روز طول می‌کشد، ظرفی را برای کار انتخاب و برای آن، طرحی مناسب تهیه می‌کنیم. بعضیها طرح را با آزادی عمل به روی ظرف پیاده می‌کنند و بعضی، طرح را روی کاغذ پوستی منتقل کرده، آن را با سوزن سوراخ می‌کنند. سپس پوستی را روی ظرف مورد نظر می‌گذارند و با گرد که از پودر ذغال و خاک چوب‌آست، به روی طرح می‌کشند تا از طریق سوراخهایی که با سوزن در آن ایجاد شده، روی ظرف منتقل شود. سپس روی طرح با لعاب و اکسید کار می‌کنیم و پس از آماده شدن کار، آن را مجدداً به کوره می‌بریم و

یک ماه بستری شدن، پاهایم خوب شد، ولی شنوایی خود را برای همیشه از دست دادم. ولی از همان لحظه، تصمیم گرفتم که جای خالی شنوایی را با چیز مهمتری پر کنم و با عطشی



و مجسمه‌سازی تعلیم دیدیم. تا نه سالگی، گوشه‌ایم سالم بود و از شنوایی حساسی بهره داشتیم. بعد به علت متئوئیت شدید، پاهایم از حرکت بازماند و گوشه‌ایم شروع به وزوز کرد. مرا به بیمارستان فرستادند. بعد از سیری‌ناپذیر به سمت مطالعه کشیده شدم و تاکنون در زمینه تاریخ هنر، روان‌شناسی، شعر گذشته و حال و ادبیات فارسی ... مطالعه کرده‌ام. ■ از زمانی که در زمینه نقاشی سرامیک کار کردید؟

خواهشمندیم از تعداد آگاهی‌ها کم کنید و آشیانه مهر را دو صفحه بکنید... می‌بینم که یونسکو در حال انتشار نشریه شما به پیش از صد زبان و لهجه مختلف دنیا است یا توجه به این که در طول این مدت غذای سنگین نخوردم خواهشمندم در صحت این موضوع، نسبت به چاپ ویرانه‌هایم برای هوشتان زگری زبان و شکلی زبان نیز اقدام لازم میندول فرمایید... البته تعداد زیادی نامه نیز در وصف قد و قامت رشید و قیافه دلچسب هیئت تحریریه به دستمان رسیده است که به منظور جلوگیری از تضعیف روحیه نویسندگان نشریات رقیب از درج آنها خودداری می‌کنیم. اما می‌رسیم به نظرات جامعه هنری - فرهنگی کشور...

مستقیماً به سراغ طیف سینمایی کشور رفتیم چون اولاً این عزیزان - به خصوص طبقه بازیگران - از قدرت تشخیص و تفسیر فوق‌العاده و اعجاب‌آوری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، ورزشی و هنری برخوردار هستند، ثانیاً این گرامی دوستان اکثر پیش از سه ای چهره هفته از سال را به اشتغال در شغل شریفشان تخصص نمی‌دهند و باقی طول سال مشغول انجام مصاحبه، تهیه و تنظیم فحش‌نامه، ساخت ستایش‌نامه‌های تلویزیونی و بعضاً آموزش و تعلیم حرکات سوزن می‌باشند که خود نشان از وقت آزاد و گاهی این زحمتشان برای پاسخگویی به سؤالات ما داشت. پرسشنامه ما شامل سه سؤال بود:

۱- نشریه ما چه تأثیری بر ادامه زندگی شما داشته است؟
۲- اگر نشریه ما چاپ نشده بود وضعیت دنیا به چه صورت بود؟



عسلای این صند از این زبانی

تقسیم وجود و قسط معلوم/ ما را هم از این نمد کلاهی سردبیر زیرجلگی نگاهی به ما انداخت و غریب «متنه» (یعنی عزیزان با قلبهایی سرشار از امید به آینده و عشق خدمت به خوانندگان هفته‌نامه بزرگ به چاک فعلاً «پول ما کو»!) البته دیری نگذشت که با دین مشت‌های گره کرده و ابروان درهم پیچیده ما متوجه ضرورت حل این مسئله به شیوه مسالمت‌آمیزی شد. در همان حال که چک دستمزد ما را می‌نوشت چنین پیرایش سرودم. بیت حق‌العمل خود که به جیب افکندم/ سر‌دبیر گفتا که... آخ من مردم گفتمش خواه بمیر خواه بزی/ من که این لقمه فرو برم البته خواهش می‌کنم این شعر را برای او نخوانید شخصاً گمان می‌کنم که اسساک ایشان بیشتر ناشی از طبع هنری و لطیفشان است. گویا کرم به انتهای مطلب می‌رسیم و هنوز فکری از مسئله گمبوه کاغذ تکویدیم باور کنید گاهی اوقات خرد را ارائه شماره جدید نشریه به بازار مجبور به قطع درختیای موجود در اطراف دفتر نشریه و تبدیل آنها به کاغذ می‌شویم گاهی نیز در کامل تأسیف ناچاریم که با تخریب نامه‌های عزیزان استفاده یبینه‌ای از آنها ببریم. و در انتها کلام آخر را می‌گوییم: بگذار بگذرد و بگذر تا بگذارد افتاب از این گرم‌تر غلام از این سیاه‌تر و مهر از این گراتر - فعلاً - نخواهد شد. □



خوشبختانه این نظرخواهی با استقبال بی‌سابقه‌ای از سوی این عزیزان روبه‌رو شد تا آنجا که ما تصمیم گرفتیم که مجموعه این نظرات را به صورت یک مجموعه جداگانه در آینده نزدیک روانه بازار کنیم اکثر این هنرمندان ضمن تأیید یا تکذیب خطمشی نشریه خواستار توجه بیشتر ما به سینمای نوین ایران و افزایش تعداد «اسک»‌های

مؤسسه خدمات مسافرتی

و جهانگردی

رجا

RAJA Travel & Tours

پروازهای اختصاصی به قیمت مصوب

تهران - دبی - تهران
تهران - دمشق - تهران
تهران - مشهد - تهران
تهران - اهواز - تهران
تهران - تبریز - تهران
مشهد - اصفهان - مشهد
مشهد - شیراز - مشهد
تور دبی (نوروز)

تور خانوادگی سوریه و لبنان (۸ روزه)

تلفن: ۰۲۳-۶۴۷۲۰۰-۶۰۳۳۳۳۳۳
تلفن: ۰۲۳-۶۴۷۲۰۰-۶۰۳۳۳۳۳۳

آژانس هوایی جهانگردی

مبعث

سوریه دبی کیش هوایی

هر هفته با نازلترین قیمت و کیفیت عالی

تهران - فلک صادقیه، بزرگراه آیت... کاشانی،

خیابان مهران، شماره ۴۰/۱

فروش بلیط قطار مشهد

تلفن: ۰۹-۸۸۱۱۴۸-۸۸۱۱۴۸۰۰ فاکس: ۰۸۸۰۷۹۲۹۹

ایران مرکز

آژانس هوایی و جهانگردی

بلیط و تور کیش و قشم

فروش بلیط کلیه خطوط هوایی

(داخلی و خارجی)

تلفن: ۰۲۰-۶۴۹۳۶۴۰ و فاکس: ۰۶۴۱۲۸۳۳

تهران: خیابان جمهوری - چهار راه فروردین، پلاک ۲۵۷

Bonyae Seir

شرکت مسافرتی و جهانگردی

TOUR & TRAVEL AGENCY

نمایندگی فروش بلیطهای ایران ایر و کلیه خطوط هوایی داخلی و خارجی

فهرست: ایستگاه درویش، پلاک ۱۸۰۸، صندوق پستی: ۱۹۳۵۰/۱۹۳۵۰
تلفن: ۰۲۰-۶۴۹۳۶۴۰، فاکس: ۰۶۴۱۲۸۳۳
No. 1808 Dr. Shariatie Ave. Tehran - P.O.Box 19355, 1949
Tel. 2006832-5 Fax 262569 Tlx 213575 DNSR

ایرانگردی

سیر

تورهای داخلی و خارجی

فروش بلیط کلیه خطوط هوایی داخلی و خارجی

نمایندگی فروش بلیط قطار رجا در استان تهران

تلفن: ۰۲۰-۶۴۹۳۶۴۰ و فاکس: ۰۶۴۱۲۸۳۳۳

انتشارات الهام

درآستانه سال نو به دوستداران شعر و ادب فارسی تقدیم می‌کنم:

کلیات بیدل

اثر گرانقدر: سولانا ابوالمعانی

بیدل دهلوی

به کوشش: اکبر بهادرزاده و پرویز عباسی

کتاب ۵۰۰ اثر بزرگ شاعر کلاسیک که با این کتاب می‌توانید به دوستداران شعر و ادب فارسی تقدیم می‌کنم:

کتاب ۵۰۰ اثر بزرگ شاعر کلاسیک که با این کتاب می‌توانید به دوستداران شعر و ادب فارسی تقدیم می‌کنم:

کتاب ۵۰۰ اثر بزرگ شاعر کلاسیک که با این کتاب می‌توانید به دوستداران شعر و ادب فارسی تقدیم می‌کنم:

مشاوره رایگان

فوتربین دوره کنکور

سراسری - آزاد

رورد به پیش دانشگاهی

همراه با متنوع ترین و

منسجم ترین برنامه ریزی

جهت ورود به دانشگاه

کوه انوار آریا

آموزش برتر

ریاضیات: المونی، موسوی، رامین راد، عابدی، فتاحی، قاضی، هراتی

فیزیک: ۱. بکلو، پاکور، صباغی، فرد، عطاردی، قهرمانی

شیمی: ۱. آوندی، حق، رحیمی، صدیقی، محمد

زیست شناسی: ۱. آریابیان، دکترشاهی، دکترغزیزور

دروس عمومی: ۱. آرسولویی، امامیان، خللی، درخشانی، فرسویان، فردوسی، فردوسی، قاضی، هراتی

مشاوره و برنامه ریزی

۰۶۶۹۰۸۹

۰۶۶۴۶۰۵

۸۲۲۰۸۹۷

۰۶۶۳۶۳۴۳



فضای میدان، اهمیت دارد

○ گفت و گو با رهگذران دربارهٔ میدانهای شهر تهران

قسمت اول

- مژدگان کیاست؟
خیابان خراسان، منطقه ۱۵.
تحصیلاتش؟
دپلم تجربی هستم.
اینجا محل کارونه؟
نه، اودم همین جوی، تفریح.
زاد اینجا می‌ای؟
نه.
نه، مغارت این میدان «ونک» چه جور جای
است؟
از چه نظر؟
خوشش برای من نه؟
خوب، از نظر فرهنگی، ما منطقه سا خیلی
فرق می‌کنه، اینجا ای بخوای حساب بکنی. منتها
روی هم رفته، خوش می‌اید.
چرا، چی داره؟
جاذبیتها داره که جوانها را کلاً می‌کشه
توی خیابان ایلی و عمر و ونک ...
فکر می‌کنی، جاذبیتهایش چیه، به غیر از
مافاهایش و ...
آدمهایش.
آدمهایی که فرق می‌کنند با این منطقه؟
بله، این نوع لباس پوشیدن و این نوع
آرایش، این نوع به قول عامیانه تپهایش فرق
می‌کنه.
اینها جاذبیتهای اینجاست؟
بله.
میدان (فردوسی) هم که حتماً رفتی؟
چرا فرودوسی محل کارم.
فردوسی اینجا سا میدان «فردوسی» چیه؟
جاذبیتهای اینجا بیشتره؟
بیشتره دیگه، بله.
محیطش چهطور؟ خود فاضلش؟
مهری ما اینجا بالاتر، توی سطح شهر،
کلاً فرق می‌کنه. نوع آسفالتهایش، نوع
خیابانهایش، من فکر می‌کنم، نوع رسیدگی به
خیابانها، این جا بیشتره، مثلاً تا عیدانهایی
«فردوسی» و «خراسان» ...
حالا مثلاً اگر بخوایم مقایسه کنیم با میدانهای
قدیم، مثل میدان «فتش جهان» اصفا که حتماً
دیدنی دیگه؟
دیدم.
قرنشی چیه؟ کدوم رو بیشتر می‌پسنیدی؟ یعنی
دست دارو مثلاً روز از میدان «فتش جهان»
اصفاهان رد بشی یا میدان «ونک» تهران؟
اون افکش صمیمی توی اون و من بیشتر
می‌پسنیدم و بیشتر لذت می‌برم.
مغارت اینجاست یا نه؟



مهاجرت پایداری در برابر همین اندک اصلاحاتشان
 «هم ندارند... که خب چنین رفتاری حتی در «جامعه
 دنی» هم بسی مایه تأسف است!

✓ نشریه «فیلم و سینما» که چند سالی

[illegible]

از ادامه همکاری با یک شخص یا نهاد است.

قضایا را بخشی از یک توطئه فرهنگی بینداریم؟

✓ اعلام کرده‌اند در اواخر تابستان امسال «جشن بزرگ سینمایی ایران» برگزار می‌شود، و یکی از روزهای سال را هم که در صفحه تقویم سفیدمانده و داغ هیچ «مناسبتی» بر پیشانی ندارد، مفتخر به مناسبت «روز ملی سینما» خواهند کرد. تردیدی نیست که «جشن» چیزی خوبی است خصوصاً اگر «بزرگ» باشد و به «سینما» و «ایران» مربوط باشد و «ملی» شدن همه چیز هم (با اندکی مسامحه که این روزها با لاتع است) ایرادی ندارد و ما که تاکنون نمانسته‌ها، در تقویم سالانه عادت

فیلم سینمایی دیدار ساخته محمدرضا هتومند که پس از چند سال به نمایش درآمد و گویا در چند روز گذشته محبوبیت استثنای گروه‌هایی از هوخطان ارمنی شده، تا اینجا پرفروش‌ترین فیلم محسوب می‌شود. این پرفروش بودن البته تا حوجه به افزایش قیمت بلیط سینماها، با فروش فیلم‌های گذشته یکسان نیست. تا این هفته سقف فروش دیدار از مرز هفتاد میلیون تومان گذشته است.

در دهه‌های میانی جدول فروش اسباب بازی با پیش از سی میلیون تومان و قاصد، رقمی حدود دویست و هشت میلیون تومان، احتمالاً در رتبه نخست و رتبه‌های پایین‌تر در جدول فروش اسباب بازی در شهرهای ترک زبان کشور با استقبال بهتری مواجه شده است.

در هفته گذشته فیلم هندی داستان عشق سیزده سینمایی تهران نمایش داده می‌شود که، مالا کرکایوگیم سینماهای تهران را به عنوان یک مانع برای فیلمهای خوب و مطرح سینما در کشور در دسترسهای کشور می‌شوند و اسرار دارند. محصولات الهانه و مبتلای همچون داستان عشق، کسمان سلیقه خانوادگی سینما در آن در دسترس، فیلم‌فارسی‌های سینمای خوب سینما در آن در دسترس، به پدید آمدن و اعتقاد به تئوری توطئه منجر می‌شوند. شاید فکر می‌کنند اقلیت این مناسبتی نمایش فیلم‌های خارجی از چه قرار است با توجه به این که تمام دلایل وجود و مشروع برای اکران فیلم خوب و وکتر سینمای هندی وجود است.

تجدیدهای حضرت قیام‌الدین سید زکی
اسلام علیه‌السلام درجه (۱) گرفته است. و
تلاش‌های فراوان موفق دشدند، تغییراتی در وضع
درجه‌بندی هیله‌ها پدیدار ایجاد شدند. در سده ششم
(«مورگراس» و «جامعه‌اند» چنان در کشورها
متحقق شد که هرکس نسبت به برقراری ر
اتحادیه‌ها، اتحادیه‌ها، هرگونه تحولی می‌گردد
و شرایط را به نقش تغییر می‌دهد اگر مقاومت
نمی‌تواند در این دوره کارایی بی‌فایده‌ای و سوزنا
اتحاد داده بود، همین برخورد با هیله‌ها، سراسر
بود که در قالب حمایت از (یعنی اتحادیه ر
چنان شد که حالا مجامعاتی از (یعنی اتحادیه ر
یعنی که همچنان است و سده‌های گذشته است
نمایند، از دست راندن و سوزاندن، سوزاندن، سوزاندن

و در سال سینما، موباج گرفتن قفسه‌ها
 سینمای ایران، رعایت تابوهای عقاید به
 سینمای خود، آثار پیریزی جدید مستندآرکان
 سینما و ایجاد زمینه برای گرفته شدن آثار
 به سینمای ایران اقتدار گوناگون جامعه
 می‌شود. مسئولین سینمای کشور و اماکن تهیه
 می‌نمود، فیلم‌های خارجی، حتی از اختصاص
 سینما سینما به نمایش این فیلم‌ها خودداری
 می‌کنند و در عوض پویشی از سینمای ایران
 پایتخت را در خدمت نمایش یک فیلم درجه پنجم
 از سینمای درجه دوازدهم هند قرار می‌دهند و در
 مقابل این اعتراض‌ها به میوه‌توضیح می‌دهند
 غیرموجودی ایران نمی‌تواند، چنان‌ها ما هم
 نه، دهه‌ها که در افشا کشش و افشا

مجموعه کنکور مکاتباتی گام به گام نشر آزمون

قابل توجه داوطلبان آزمون ورودی مراکز پیش‌دانشگاهی

و کنکور سراسری دانشگاهها، نظام جدید و قدیم
نشر آزمون بزرگترین ناشر کتابهای کمک آموزشی و کنکور با همکاری مؤلفین مجر اساتید با سابقه برای داوطلبان آزمون ورودی مراکز پیش دانشگاهی و کنکور سراسر دوره نظام جدید و قدیم مجموعه کنکور مکاتباتی گام به گام را منتشر کرده است.

موضوع	پیش از انقلاب	پس از انقلاب
علوم انسانی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
فنون و هنر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم پایه	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم اجتماعی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم طبیعی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم ریاضی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم پزشکی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم کشاورزی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم دامپزشکی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم باغبانی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم صنایع دستی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم ورزشی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم گردشگری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم مدیریت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم اقتصاد	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم حقوق	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم تاریخ	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم فلسفه	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم ادبیات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جغرافیا	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم هواشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم محیط زیست	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم سلامت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم ایمنی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم نوین	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم آینده	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم خلاقیت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم مهارت‌های زندگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم ارتباطات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم رسانه‌ها	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم فناوری اطلاعات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم کامپیوتر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم مهندسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم معماری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم طراحی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم گرافیک	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم صدا و تصویر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم بازیافت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم انرژی‌های تجدیدپذیر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم تغییرات اقلیم	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم مدیریت بحران	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم سلامت روان	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم مشاوره	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم تربیتی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم روانشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی کاربردی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی فرهنگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی اقتصادی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی سیاسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی حقوقی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی پزشکی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی ورزشی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی گردشگری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی مدیریت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی اقتصاد	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی حقوق	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی تاریخ	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی فلسفه	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی ادبیات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جغرافیا	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی هواشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی محیط زیست	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی سلامت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی ایمنی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی نوین	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی آینده	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی خلاقیت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی مهارت‌های زندگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی ارتباطات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی رسانه‌ها	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی فناوری اطلاعات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی کامپیوتر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی مهندسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی معماری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی طراحی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی گرافیک	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی صدا و تصویر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی بازیافت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی انرژی‌های تجدیدپذیر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی تغییرات اقلیم	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی مدیریت بحران	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی سلامت روان	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی مشاوره	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی تربیتی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی روانشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی کاربردی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فرهنگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی اقتصادی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سیاسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی حقوقی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی پزشکی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ورزشی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی گردشگری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مدیریت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی اقتصاد	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی حقوق	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخ	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فلسفه	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ادبیات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جغرافیا	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی هواشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی محیط زیست	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سلامت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ایمنی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی نوین	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی آینده	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی خلاقیت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مهارت‌های زندگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ارتباطات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی رسانه‌ها	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فناوری اطلاعات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی کامپیوتر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مهندسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی معماری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی طراحی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی گرافیک	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی صدا و تصویر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی بازیافت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی انرژی‌های تجدیدپذیر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تغییرات اقلیم	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مدیریت بحران	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سلامت روان	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مشاوره	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تربیتی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی روانشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی کاربردی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فرهنگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی اقتصادی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سیاسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی حقوقی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی پزشکی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ورزشی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی گردشگری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مدیریت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی اقتصاد	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی حقوق	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخ	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فلسفه	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ادبیات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جغرافیا	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی هواشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی محیط زیست	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سلامت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ایمنی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی نوین	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی آینده	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی خلاقیت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مهارت‌های زندگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ارتباطات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی رسانه‌ها	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فناوری اطلاعات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی کامپیوتر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مهندسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی معماری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی طراحی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی گرافیک	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی صدا و تصویر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی بازیافت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی انرژی‌های تجدیدپذیر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تغییرات اقلیم	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مدیریت بحران	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سلامت روان	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مشاوره	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تربیتی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی روانشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی کاربردی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فرهنگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی اقتصادی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سیاسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی حقوقی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی پزشکی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ورزشی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی گردشگری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مدیریت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی اقتصاد	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی حقوق	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخ	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فلسفه	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ادبیات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جغرافیا	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی هواشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی محیط زیست	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سلامت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ایمنی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی نوین	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی آینده	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی خلاقیت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مهارت‌های زندگی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ارتباطات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی رسانه‌ها	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فناوری اطلاعات	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی کامپیوتر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مهندسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی معماری	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی طراحی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی گرافیک	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی صدا و تصویر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی بازیافت	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی انرژی‌های تجدیدپذیر	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تغییرات اقلیم	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مدیریت بحران	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی سلامت روان	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی مشاوره	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی تربیتی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی روانشناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی کاربردی	۳۳۳/۳۳۳	۳۳۳/۳۳۳
علوم جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی فرهنگی	۳۳۳/۳۳	



فروش در کلیه کتابفروشیها

 خ انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن:

 ۶۴۰۸۶۲۰-۶۴۶۰۰۹۹

 • برای خرید پستی

دیبابت
دکتر زهرا هیلسون
همانز فاتحی / ۸۰۰ تومان
هماهنگی جامع و آموزنده در
باره اعمال مربوط به موش قند:
مراقبت از میثاقان، برنامه
خلایق، ورزش و خودسازی،
رواهات، کنترل شد خون، عوارض
مرض قند، خودیاری و لذت بردن
از زندگی.

ورزشهای برای درمان التهاب مفصل (آرتریت)
 یوا یوا بازی و آرتروبریکس
 طرف استایل ۷۰۰ تومان
 این کتاب برپایه ورزشهای است که مناسب است به التهاب مفصل مزمن دروس، مثل: و سرگرمیهای شامست. همچنین مردم ورزشها بدلت و تمرین شماست.



میدان امام (نقش جهان) اصفهان

میدان باشکوه «نقش جهان» در اواخر قرن دهم هجری که اصفهان مرحله دوم عمران و طراحی شهری را می‌گذراند، اهمیت خاص یافت و مهم‌ترین بناها و فضاهای شهر مانند بازار «قصیریه» و کاروانسرای «شاه» در شمال میدان - کاخ «عالی قاپو»، مقر حکومت در غرب- مسجد «شیخ

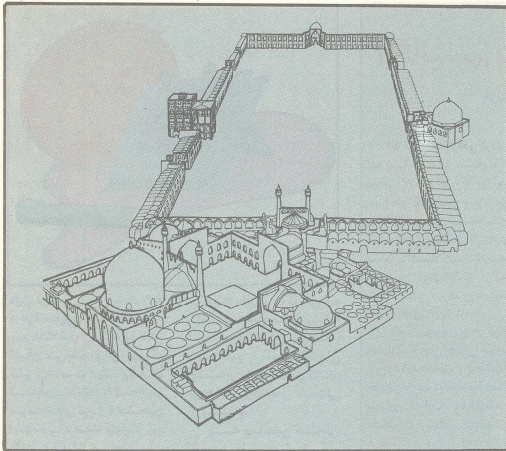
لطف‌الله» نمازخانه «شاه» در شرق و منظر اوج شکوه معماری دوره، یعنی مسجد شاه (مسجد امام) در جنوب آن استقرار پیدا کردند و بدین ترتیب، فعالیتها و فضاهای شهری در پیرامون و ورودی آن شکل گرفتند.

امتداد بازار «قصیریه» در انتهای جنوبی خود به میدان «نقش جهان» و روی محور اصلی آن وارد می‌شود. اهمیت این ورودی در این است که به یکباره در بدو ورود، فضای مسیdan را تعریف می‌کند - انسان در ویسرویی با ابعاد عظیم میدان و روشنسی خیره‌کننده آن که در فضا با ابعاد بازار و نور کم‌رنگ درون آن قرار دارد، زیبایی را ارزش میدان را یک جا درک می‌کند.

میدان «نقش جهان» که برای انجام جشنها، بازیها و مراسم ملی و رسمی مسکنی مورد استفاده قرار می‌گرفته، به‌خیر از ورودی از بازار «قصیریه»، دارای ورودیهای متعدد بوده است. بدنه این میدان از طاق‌ماهایی تشکیل شده که به دلیل ضرورت حفظ تناسبات میدان، به‌صورت دو طبقه کارگرد آن را فراگرفته‌اند. در سوی دیگر، محور اصلی

میدان در جنوب، ورودی‌وری بازار «قصیریه»، پیش فضای ورودی مسجد امام (شاه) قرار دارد. این بنا با مناره‌ها و گنبد آبی درخشانش در کل میدان مسلط است و این مستطیری، هویت روحانی میدان را که خود مکعبی درخشنده می‌نماید، ابراز می‌کند. مستطیری میدان در کل و مستطیری جلوان (پیش فضا) مسجد امام با جنوب میدان در حالی است که خود مسجد به لحاظ قیل، ۴۵ درجه به سمت غرب گردن کرده و این خود

گنبد مسجد امام



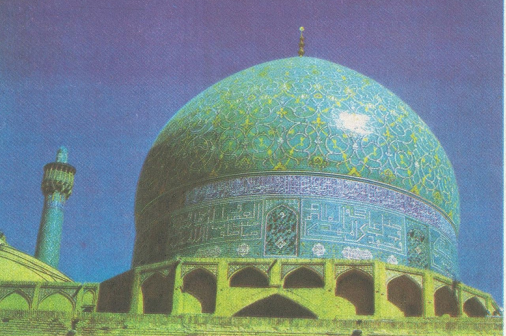
زیبایی فضایی محیط را که به تناسب عظمت میدان بنا شده، میان مسجد و میدان، می‌اندازد. این است که حرکت گنبد به سمت غرب نسبت به محور میدان و درک است که مردم را به فضایی امن و نشاطبخش می‌خواند.

پسوند می‌زند. این بنا در گفت‌وگوی با میدان بسیار ساده طراحی شده و کل فضای آن یکپارچه و باز است. عالی‌قاپو قرارداد که اقامتگاه اصلی و مرکز حکومت بوده است؛ بنای بلند با نقشه چهارگوش که تالار اصلی در طبقه دوم آن قرار دارد و اتاق پذیرایی بزرگی است که پیش از دوپست کن از درباریان را از خود جای می‌داده و منظره تمام شهر با مسجدها، گنبدها و مناره‌ها، به ویژه فضالتهای داخل میدان از آن جداست.

میدان «نقش جهان» که برای انجام جشنها، بازیها و مراسم ملی و رسمی مسکنی مورد استفاده قرار می‌گرفته، به‌خیر از ورودی از بازار «قصیریه»، دارای ورودیهای متعدد بوده است. بدنه این میدان از طاق‌ماهایی تشکیل شده که به دلیل ضرورت حفظ تناسبات میدان، به‌صورت دو طبقه کارگرد آن را فراگرفته‌اند. در سوی دیگر، محور اصلی

میدان در جنوب، ورودی‌وری بازار «قصیریه»، پیش فضای ورودی مسجد امام (شاه) قرار دارد. این بنا با مناره‌ها و گنبد آبی درخشانش در کل میدان مسلط است و این مستطیری، هویت روحانی میدان را که خود مکعبی درخشنده می‌نماید، ابراز می‌کند. مستطیری میدان در کل و مستطیری جلوان (پیش فضا) مسجد امام با جنوب میدان در حالی است که خود مسجد به لحاظ قیل، ۴۵ درجه به سمت غرب گردن کرده و این خود

گنبد مسجد امام



تهران، شهر بی‌میدان

مجموعه روایت و حرکت مردم در یک شهر به تبع اخلاق اجتماعی آنها شکل می‌گیرد و اخلاق اجتماعی مردم منبعث از فرهنگ ایشان است. فرهنگ هر ملت بر باورهای متکی است که روابط و مناسبات فردی و اجتماعی آنها را پی می‌ریزد و طبیعتی است که تفاوت این باورها، از جمله در نحوه شکل‌گیری محیط زندگی و شهری آنها ظاهر خواهد شد، البته، این نوعی ارتباط دوجانبه است؛ بدین معنا که اگر فرهنگ اجتماعی به عنوان مثال نحوه حرکت پیاده را در شهر، هم از نظر ارتباط با فضاهای مردمی اطراف و هم به لحاظ فرم آن تعریف می‌کند، حرکت مستمر و مداوم در این فضاها نیز به استمرار و قوام بخشیدن همان فرهنگ، مدد می‌رساند.

تا زمانی که شکل فضاهای شهری بر رفتارهای نشأت‌گرفته از فرهنگ یک جامعه منطبق باشد، درک درستی از فضا وجود خواهد داشت و نظم حرکتی در مسیرهای فیزیکی تعریف شده با وجود شاخصهای بصری حفظ گشته و بدون هیچ‌گونه تداخل یا اختلالی با قضا ترکیب می‌شود. آنچه از فضاهای شهری در معماری اسلامی ایرانی باقی‌مانده است و یا در عمارت و نقشه‌ها یافت می‌شود، از حضور ملتی با فرهنگ، با ایمان و با اخلاق، حکایت می‌کند. این فضاها متناسب با چنین هویتی شکل گرفته و بدین سبب، دارای انتظام بوده و هر فنش نیز حریم خاص خود را دارا بوده است. تفکر پنهان در این معماری، تفکر مبتنی بر ذکر است که در مساجد در صورت گنبد و مناره و در سایر فضاهای شهری به صورت نوعی که میدان را به بی‌نیهایت آسان تهریت انسانها را از کوگی برعهده داشته و آنها را با مفاهیم ابراز هویت، حفظ حریت، مژذب بودن به آداب و حفظ انتظام اخلاقی، رفتار و تفکر مأموس می‌نمایانده، اما اکنون معماری غفلت جایگزین گشته است و نظم فضاها در هم ریخته، حریمها شکسته شده، نوع و تکرر اصالت‌یافته و شهری چون تهران در پی‌هویتی ابراز هویت کرده است.

عجیب این جاست که همه از تشتت و عدم آرامش موجود در زندگی اجتماعی فریاد برداشته‌اند. در حالی که گنجی از مفاهیم و نمونه‌های شکل گرفته براساس آنها در کنار مااست. نه تنها از فضاهای باقی‌مانده به‌عنوان گنجینه‌هویتی خود پند نمی‌گیریم، بلکه به تخریب آنها نیز می‌کوشیم و دست نیاز به سوی بیگانه دراز می‌کنیم.

در سازمانهای جهانی که ارزشهای فرهنگی فضاهای معماری جهان را ثبت می‌کند، دو شهر «یزد» و «وینیز» به ثبت رسیده‌اند. شهری را که زیر آب فرو می‌رود، تنها به دلیل درک ارزش فرهنگی آن با هزینهایی بسیار سنگین حفظ می‌کنند، اما خود دست به تخریب «یزد» زده‌ایم؛ شهری که به عنوان میراث‌دار هویت و فرهنگ ما همچنان استوار بر پهنه کوه ایستاده است؛ شناخت به لحاظ اهمیت بررسی و مطالعه فضاهای شهری و شناخت آن فضاها در فرهنگ معماری اسلامی - ایرانی در قاسیه با فضاهای شهری موجود، چند شماره را به مطالعه میادین تهران همراه با معرفی یک میدان از میان میراثهای فرهنگی این سرزمین، اختصاص خواهیم داد.

در معماری ما میدان، در مقیاس شهری، در تلافی با امتداد چند یا یک راه مهم واقع می‌شود و از لحاظ فیزیکی و شکل بصری دارای بدنه کالبدی انتظام یافته‌ای است که یک و عموماً چند بنای مهم شهری در آن جای گرفته‌اند و این بدنه، هویت میدان را عینیت می‌بخشد. همچنین فضاهای اجتماعی مانند فضاهای فرهنگی، تفریحی و غیره در این بدنه شکل می‌گیرند و به چند کارکرد اجتماعی جواب می‌دهند. گاهی به دلیل اهمیت آن فضاها و مقیاس آنها می‌آیدانی به همان نامها، نامیده می‌شوند و حریم حرکتها و فضاهای اجتماعی مذکور به درستی تعریف می‌شوند. بعضی از این میادینا به تناسب بزرگی شهر جوابگوی حضور و تجمع شهری مردم در برپایی تظاهرات، جشنها و مراسم مذهبی و ملی‌ای هستند که به لحاظ فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردارند و عموماً در آن جایگاهی برای مقامات شهر و مملکت ساخته شده که سمت‌گیری میدان را مشخص می‌کنند. شهر تهران در حال حاضر نه تنها فاقد چنین می‌آیدانی است، بلکه می‌آیدانی متناسب با تعریف اولیه نیز ندارد. فضاهایی که از نظر کالبدی فاقد بدنه هستند، مشکل از مجموعه بناها و راههای درهم می‌شوند. درحالی که در نحوه اتصال راهها به آنها، حتی تناسب تکرر پیاده و سواره رعایت نشده است. فضاهای داخلی مسود و نیز مردم در کنار این به اصطلاح «میادین» تعریف نشده و حریمهای لازم را رعایت نکرده‌اند. در نتیجه، شکل حرکت و روابط مردم مختل شده و اخلاق اجتماعی آنها تحت تأثیر ارتباط مستمر با فضاهای بدون نظم، بدون تناسب و بدون هویت، دیگرگون گشته است. □

بیان عبارتی چون «گل یعنی زندگی» در فیلم، آغازگر عشقی است که وقتی آنها آن

نگاه یک جانبه

○ یادداشتی بر فیلم دیدار

■ روبرت صافاریان

متفاوتی می‌پردازد که خواصیم گفت. علاوه بر این ایراد اساسی، روابط و جو خانواده سیخی فیلم به‌دست کلیشهای است و توی این مسئله چیزی نیست جز موضوع ازدواج سین ادیان؛ مسئله‌ای که ظاهراً دلیل (یا یکی از دلایل) توقیف فیلم هم بوده است. کمترین چیزی که در برابر برخورد دیدار با این مسئله می‌توان گفت، نگاه یک جانبه آن به این موضوع است. چیزی که به این موضوع است، هیچ‌یک از ادیان مایل به ازدواج اتباع خود با افراد مومن به دین دیگر نیستند، در صورتی که هر فنش نیز حریم خاص خود را دارا بوده است. تفکر پنهان در این معماری، تفکر مبتنی بر ذکر است که در مساجد در صورت گنبد و مناره و در سایر فضاهای شهری به صورت نوعی که میدان را به بی‌نیهایت آسان تهریت انسانها را از کوگی برعهده داشته و آنها را با مفاهیم ابراز هویت، حفظ حریت، مژذب بودن به آداب و حفظ انتظام اخلاقی، رفتار و تفکر مأموس می‌نمایانده، اما اکنون معماری غفلت جایگزین گشته است و نظم فضاها در هم ریخته، حریمها شکسته شده، نوع و تکرر اصالت‌یافته و شهری چون تهران در پی‌هویتی ابراز هویت کرده است.

عجیب این جاست که همه از تشتت و عدم آرامش موجود در زندگی اجتماعی فریاد برداشته‌اند. در حالی که گنجی از مفاهیم و نمونه‌های شکل گرفته براساس آنها در کنار مااست. نه تنها از فضاهای باقی‌مانده به‌عنوان گنجینه‌هویتی خود پند نمی‌گیریم، بلکه به تخریب آنها نیز می‌کوشیم و دست نیاز به سوی بیگانه دراز می‌کنیم.

در سازمانهای جهانی که ارزشهای فرهنگی فضاهای معماری جهان را ثبت می‌کند، دو شهر «یزد» و «وینیز» به ثبت رسیده‌اند. شهری را که زیر آب فرو می‌رود، تنها به دلیل درک ارزش فرهنگی آن با هزینهایی بسیار سنگین حفظ می‌کنند، اما خود دست به تخریب «یزد» زده‌ایم؛ شهری که به عنوان میراث‌دار هویت و فرهنگ ما همچنان استوار بر پهنه کوه ایستاده است؛ شناخت به لحاظ اهمیت بررسی و مطالعه فضاهای شهری و شناخت آن فضاها در فرهنگ معماری اسلامی - ایرانی در قاسیه با فضاهای شهری موجود، چند شماره را به مطالعه میادین تهران همراه با معرفی یک میدان از میان میراثهای فرهنگی این سرزمین، اختصاص خواهیم داد.

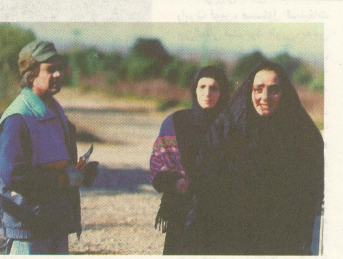
در نگاهی گزرا به فیلم دیدار، درمی‌یابیم که حرف ساده فیلم، جست‌وجوی همدل و هم‌زمانی است. دختر مسیحی فیلم، ژانث، چون در جمع خانواده‌ی خویش، خود را تنها می‌داند و از دستگاه مذهبی مسیحیت کلیسا و کشیش، این دختر است. در این کشیش، قنادر تنه‌پزی چند محور می‌کند که آن را نیز مشکل‌گشایی خود نمی‌داند، در پی یک اتفاق ساده، با جوانی مسلمان آشنا می‌شود و همین آشنایی و صداقت و سادگی هر دو در ایجاد یک ارتباط عاطفی، او را از آنها می‌کشد که بدو به «فاصله هورناک» خوانند یا معجزه از جنون در دنیا ساستی می‌کنند که در ریزگرد قرار داده‌ای صورتی زندگی، آنها را به مرگ نزدیک کرده است.

وقتی قلیوه «عشق» مطرح می‌شود، قراردادی صوری نیز بی‌اعتبار می‌نماید و تمرکز بر اختلاف دیدگاه مذهبی دختر و پسر در آغاز داستان یا تأکید بر این که جوان بسپچی و رزمنده را به ورطه دختربازی کشانده‌اند، نوعی قصه‌پردازی است. اینجا بحث انسانیت و قراردادهای انسانی مطرح است؛ بحث یکسان بودن منشأ خلقت و فطرت انسانی؛ می‌دهند که در پی انسانیت هستند تا خط‌خطی اینی؛ در این‌باره به مساعدت مالی دختر و کلیسا و صرف پولیال به پندنده را در راه آسانی و ساختن مکانی برای نگهداری سالمندان می‌توان اشاره کرد. بنابراین، «داستان» رخ‌یافته در فیلم‌ها، با توجه به پش‌گذاری دیگر و بدون هرگونه پش‌گذاری، می‌توان فهمید و در صورت همدلی، با آن همراه شد. □

هردو دیدگاه مذهبی نمایندگانی در جبهه دارند؛ برادر

به دیدار او می‌روند. آشکار است که فیلمساز قصد نداشته تصویرویی متنی از مسیحیان ایران ارائه نماید، اما از آنجا که در داروین فضایی زندگی و روابط درونی آنها به شدت ضعیف و در انتقاد از حساسیت آنها به ازدواج یا ادیان دیگر یک‌طرفه عمل کرده است، دیدار بی‌تردید بیننده مسیحی را خوش نمی‌د. اما از این حرف‌ها که بگذریم، دیدار فیلمی نیست که حرفی خیلی جدی برای گفتن داشته باشد. فیلمی است که آشکارا به هرچیزی نوک می‌زند تا دل تماشاچی را به‌دست آورد و در این میان آنچه غایب است، وحدت تمامیتی است که موضوعات و بخش‌های مختلفش را بهم پیوند. مثلاً توجه کنید به بخش‌های شوخی فیلم، مانند ادا اطوارهای سردی که ژانث از او عکس می‌گیرد در ابتدای فیلم، یا مثلاً صحنه برخورد نیروهای انتظامی به ژانث و امیر و برخورد غیرجدی مأمور انتظامی به آنها. همین‌طور صحنه برخورد ژانث به امیر که بی‌جهت با لحنی شوخی و سبک برقرار می‌شود. این صحنه‌ها فقط برای اینکه فیلم پیش از اندازه خشک نباشد، در آن گنجانده شده‌اند. جذابیت دیگر فیلم شکل آشنایی و اصولاً نقش برادر ژانث مؤثر از کار درآمده و صحنه ملاقات ژانث با تیارستان از دیدگاه‌های خوب فیلم است، همین‌طور صحنه‌های خانه شمال، زمانی که از تیارستان برای بردن برادر ژانث آمده‌اند. □

فیلمی که به عنوان کارگردان به مفهوم قبی آن، یعنی مسئول کدوآز و عازلی‌گری و مهاجنت کشنده به‌کارمختلف فیلم، در مجموع متوسط و در تعدادی از صحنه‌ها خوب است. بازی‌ها خوب، به‌ویژه بازی داود افسری در نقش برادر ژانث مؤثر از کار درآمده و صحنه ملاقات ژانث با تیارستان از دیدگاه‌های خوب فیلم است، همین‌طور صحنه‌های خانه شمال، زمانی که از تیارستان برای بردن برادر ژانث آمده‌اند. □

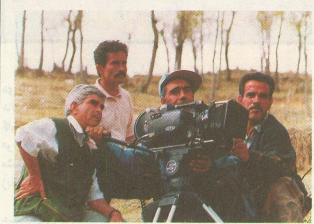


ژانث و همسر او، هردو، از جنگ آسیب می‌بینند؛ پدر و مادر ژانث در آوار پبیان از دنیا می‌روند و همسر او، سالها اسیر می‌ماند و... با این حال، همه کشیش و ژانث کسه ایبکت «گل‌ها» می‌نامندش، در عمل نشان می‌دهند که در پی انسانیت هستند تا خط‌خطی اینی؛ در این‌باره به مساعدت مالی دختر و کلیسا و صرف پولیال به پندنده را در راه آسانی و ساختن مکانی برای نگهداری سالمندان می‌توان اشاره کرد. بنابراین، «داستان» رخ‌یافته در فیلم‌ها، با توجه به پش‌گذاری دیگر و بدون هرگونه پش‌گذاری، می‌توان فهمید و در صورت همدلی، با آن همراه شد. □

هردو دیدگاه مذهبی نمایندگانی در جبهه دارند؛ برادر

دشواری‌های یک اقتباس

○ دربارهٔ «سارای» ساخته یدالله صدقی



سارای از لطیف‌ترین فیلم‌ها جستنواره امسال بود. فیلم براساس قصه‌ای عیانه ساخته شده و صدمی همه تلاش خود را به کار بسته تا این قصه را با همه ظرافت و زوایاش در سینما به تصویر بکشد. بعد از آتوبوس، سادان و مدلر این چهارمین تلاش صدمی برای نزدیک شدن به ویسروهای محلی و فولکلوریک آذربایجان است و به گمان من موفق‌ترین آنها. در اینجا صدمی سعی کرده که ضمن تعریف کردن قصه عاشقانه فیلم، بُعدی اسطوره‌ای نیز به آن بدهد. سارای به‌معنی نام تمام است. دوشیزه ساراکاری که با آب پیوند دارد (سراخر نیز خود را به آب می‌نندازد) و شاید بتوان رد او را تا خدای بانوی آب (انثیا) در اساطیر ایران پیگیری کرد. در صحنه گفتگوی عاشقانه سارای و ایدن آن دو به زمین، آب و آسمان اشاره می‌کنند. این صحنه که در دشتی وسیع اتفاق می‌افتد عاشق و معشوق را در طبیعت پیوند می‌دهد.

سارای چنان‌که با یک عشق نافرجام روبرو است، پسر و دختری به هم دل می‌بازند اما دست تقدیر (مرگ مادر پسر) و زیاده‌خواهی حاکمان (میل خان مغان به سارای) آنها را از هم جدا می‌سازد. نوعی روایت قلم بی‌شائبه‌ت به لایایی مادران یا قصه‌گویی مادرزنگه نیست، (چیزی که اصل قصه نیز به آن تعلق دارد). شخصیتها به شیوه نمایش شرق با تمامشکی فاصله می‌گیرند و به جای «ریگور او» با قصه واقعی و برایش تعریف می‌کنند. جای و بجای آدم‌های فرعی درباره شخصیتهای اصلی صحبت می‌کنند و از خوبیا یا بدیهای آنها تعریف می‌کنند. در هنگام تماشا ما کاملاً این را احساس می‌کنیم که برادر «روایتی» از یک قصه کار گرفته‌ایم و نه خود داستان سارای با آوای لطیف به زبان آذری در سراسر فیلم روایت می‌شود. اما صدمی در روایت این قصه خیلی غریزی و احساسی عمل کرده است. او میل دارد که ابعاد و عمق تازه‌ای به این قصه ببخشد اما این کار باعث می‌شود در انتها خود قصه نیز تا راسا و الکن بماند. وجه عمیق‌تر توانست در کلیت فیلم ادغام و شود و دوگانگی آن با ظاهر بیرونی فیلم کاملاً حس می‌شود. به‌نظر می‌رسد که او دارای پشتوانه فکری و دانش کافی برای پی‌ریزی یک سبک نو نبوده است.

نقاط اشتراک فیلم با آثار پاراجانف و به‌خصوص عاشق غریب فراوان است. هردو قصه، قصه‌ای عاشقانه است که در آذربایجان اتفاق می‌افتد و هر دو فیلم با زخمه‌های تار «عاشق»-های آذربایجانی عین شده‌اند. اما صدمی موفق نمی‌شود که چون پاراجانف روایتی شخصی و نامتعارف ارائه دهد. فیلم او همان‌قدر که دغدغه‌های فکری و دانشی‌اش نسبت به فرهنگ آذربایجان را بازتاب می‌دهد، بیانگر محدودیتهای فنی و هنری او در ارائه این دانشیها هم هست.

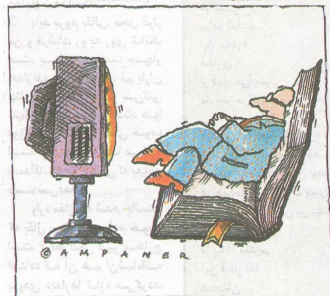
سارای نشانگر تلاش صدمی برای ارائه یک سبک بصری متفاوت (مثلاً در نوع قاب‌بندی و میزآهنگ) است. تدوین سنجیده راووز کریم، مسیحی رتم جذاب و دقیق به فیلم بخشیده است. فیلم البته این می‌تواند به یک کلیت همگون و یکپارچه دست یابد اما لحظات شیرینی در آن هست - به‌خصوص بازی فخری سلطانی و موسیقی زیبای محلی - که تماشاچیان را دلپذیر می‌سازد. صدمی تلاش می‌کند تا روایتی از قصه عاشقانه‌ای دهد. او هرگز توانستند در مقام یک کارگردان درجه یک قرار بگیرد اما فیلم‌ها او همگی دارای ارزش استعجابی هستند که بیننده را به تحسین وامی‌دارد. فیلم‌های او اغلب با مشکلات تولید مواجه شده‌اند اما کمتر پیش‌آمده که او به‌خاطر این مشکلات به چیزی پایین‌تر از آنچه اعتقاد داشته رخ‌یافته دهد. متفقدان غالباً برخورد گرمی با فیلم‌ها داشته‌اند. به‌نظر من، وقتش رسیده که به دستاوردهای او - به عنوان یک کارگردان خوب درجه دو - در سینمای ایران نگاهی دوباره شود. □

صاحب‌رو محمدگاسی

به چند کارگر ساده آشنا با بُرش کاغذ نیازمندیم!

○ در حاشیه وضعیت اطلاع رسانی در صدا و سیما

■ رضا استادی



و به خصوص ماههای اخیر بوده است. او فکرم که «شهردار» نبوده است، اهمیت او، زمانی آشکار می شود که می بینیم رهبر انقلاب، برای حل مسئله، به تشکیل جلسه سران سه قوه دستور می دهد. دستگیری وی، سبیل حاشیه های و چانه های پسراری را فراهم می آورد و... اما صدا و سیما فقط سکوت می کند، سکوت! به نظر نگارنده، این سکوت معنادار صدا و سیما، شاید در درجه اول، از آنجا ناشی شود که متأسفانه در این سازمان عریض و طویل، تلقی درستی از «خبر» و «خبرنگار» و

چندان هم غیرعادی و دور از انتظار نیست، همچنان که نمونه مسئله فوق را در زمان پیروزی ملی تمی در استرالیا، در انعکاس مراسم استقبال از فوتبالیست ها در ورزشگاه آزادی، در انعکاس وقایع اخیر دانشگاه تهران و... مرکز پیدارگر تلویزیون تنها در برنامه های همچون نگاه های

به مطبوعات، «آینه مطبوعات» و... آن هم به صورت بسیار، ناقص به بیان تیتیر سرفالدها و مطالب سیاسی نشریات پرداخت و در ادامه، فقط سکوت بود و سکوت و... مضراتی که این سکوت به نبال دارد، مسئله ای است که در قبال آن تنها باید مطبوعات رعایت کنند. اما هر گاه به نگاهی به گذشته، نشان می دهد که کارهایی از این دست،

از این است، نکته ای است که به نفع از احزاب و دستگاه های سیاسی گوناگونی که در کشور وجود دارند و با پذیرفتن اصول مشترک، با اختلافات گاه بسیار در قروح به فعالیت سیاسی می پردازند، تعداد گروه هایی که حتی اصول ملی - دینی ما را قبول ندارند و فعالیت می کنند هم کم نیستند و طبعاً در چنین نظامی، گاه اختلاف های پیش می آید که حل نشدن آنها، می تواند بقی نظام سیاسی را به خطر بیندازد و در این حال، وظیفه دستگاه های اطلاع رسانی جامعه، بسیار حساس است. دستگاه های اطلاع رسانی در چنین مواردی،

می توانند با ارائه یک اطلاع رسانی دقیق و پوشش خبری کامل، به همراه دستگیری تفسیرهای گوناگون، فضای جامعه را به دور از تشنج سیاسی، نگاه دارند. در بدترین حالت نیز می توانند با «سکوت» خود، مردمی را که تشنه خبر هستند به سوی رادیوهای بیگانه و بازار داغ شایعات، هدایت کنند.

اطلاع رسانی دقیق و پوشش خبری کاملی که از آن نام برده شد، در قضیه دستگیری غلامحسین کراباسچی با ارائه تحلیلی، اظهار نظر نمایندگان و شخصیت های سیاسی، درج مقالات نشریات خارجی و درباره این رویداد، از سوی سکوت به نبال دارد، مسئله ای است که در قبال آن تنها باید مطبوعات رعایت کنند. اما هر گاه به نگاهی به گذشته، نشان می دهد که کارهایی از این دست،

این طوری، خطرش کمتر است!

■ نیما کریمی



سال گذشته، چندبار گفتیم، خواش کردیم، عذر خواستیم که شاید مسئولان سیاسی، کمی توجه کنند و متوجه باشند که سیاسی جمهوری اسلامی ایران، باید در کنار این همه مجموعه به زور سیزده و بیست و شش قسمتی شده و طنزهای رنگارنگ مبتذل، یک برنامه معقول و منطقی ادبی که داشته باشد، هیچ کس گوش نداد که نداد تا این که شنیدیم، قرار است در ایام عید، برنامه ای شامل نمایش های سنتی و نقل بخش هایی از آثار ادبی و شعر و... از شبکه یک پخش شود. بسیار خوشحال شدیم که یک بار هم شده، سیما بالاخره به عهدش (که ظاهراً توجه به خواست مخاطبان است) وفا کرده است! شایان را دیدیم و فهمیدیم

و باهم به این نتیجه رسیدیم که مسئولان سیما به این طرز فکر که تعدادی از دست اندکاران سیما از بدو تولد با استعداد کافی و زنتیکی تولید نوعی خاص از برنامه مثل جنگ، در زمینه ادبی یا کودک و نوجوان به دنیا آمده اند، کاملاً پای بند هستند و به همین علت، کار را به هم عمر به دست این افراد می سپارند و به هیچ وجه هم از دستشان نمی گیرند تا میاد ناواری صورت گیرد حالا هر چه، بیست و نه دانشمان می خواهد بگویند، اگر یک آدم متبحر تر و ماهر تر هم در فلان رشته برنامه سازی پیدا شد، بشود سیما فقط نظر نداشت، به همین راضی بودیم. چیزی که دیدیم جناب مجری (علی احمدی) همچنان پس از چهار سال با همان «بله های» مخصوص و با همان غلط های فاحش گفتاری در خواندن سخن امیل پارسی در برابر دوربین طوبی، به مطبوعات پر بود از

کاغذی به دست بگیرد و به سراغ مردم برود و خیلی ابتدایی از آنها سوال کند و ماحصل را به عنوان «گزارش خبری» به خود مردم بدهد!

بنده با اطمینان کامل می گویم که اگر فقط و فقط یک خبرنگار در «واحد مرکزی خبر» وجود داشته باشد، هیچ گاه ما بیست و نه دانشمان (ا) در زمان وقوع رویدادهای خبر سازی همچون دستگیری شهردار، شاهد این مقدار سی تفاوتی کم تحرکی در «صدا و سیما» نخواهیم بود. در عرض چند روز، دشمن می دهد. دستگیری وی، سبیل حاشیه های و چانه های پسراری را فراهم می آورد و... اما صدا و سیما فقط سکوت می کند، سکوت! به نظر نگارنده، این سکوت معنادار صدا و سیما، شاید در درجه اول، از آنجا ناشی شود که متأسفانه در این سازمان عریض و طویل، تلقی درستی از «خبر» و «خبرنگار» و

UNOMAT
INTERNATIONAL
UNOMAT special Video accessories for Camcorders
MADE IN GERMANY

جدیدترین ویدئو لایت یونامات مدل CD 350 SP

نمایندگی های فروش

۱- فروشگاه آهنگ ۶۷۳۹۷۰

۲- فروشگاه کردن ۶۷۲۲۲۶۰

۳- فروشگاه سیما ۶۷۰۸۷۱

۴- فروشگاه شبکه دو ۶۷۲۳۰۹

۵- فروشگاه ایران آتاری ۶۴۵۱۵۵

آدرس:

خیابان جمهوری پاساژ فافظ

کانون فرهنگساز تخته جمشید

خصوصی - نیجه خصوصی

زیر نظر دکتر افراسیاب

کلاسهای ویژه نکته و تست توسط

شهاب اناری رتبه اول ۷۶ و کادر دبیران

تلفن: ۳۶۱۹۰۰ - ۸۸۲۲۹۶۶

اسکار ۹۸؛ سال بازگشت امپراتوری!

○ نگاهی به جوایز اسکار ۱۹۹۸

■ یژن اشتیری

مهمترین اتفاق سینمایی جهان طی ماه گذشته، برای هفتاد و دومین دوره مراسم اسکار بود! مراسمی که همه ساله مورد توجه یک میلیارد تماشاگر تلویزیونی است و حیات و ممات بسیاری گویندگان قرار دهند و گویندگان، خبرها را عیناً برای بینندگان و نویسندگان بخوانند، وضعیت اطلاع رسانی صدا و سیما، صدوشتاد درجه، تغییر خواهد کرد. به جای ویژده نامه گردن و در این مرکز خبر، خبری چیست؟

مهمترین اتفاق سینمایی جهان طی ماه گذشته، برای هفتاد و دومین دوره مراسم اسکار بود! مراسمی که همه ساله مورد توجه یک میلیارد تماشاگر تلویزیونی است و حیات و ممات بسیاری گویندگان قرار دهند و گویندگان، خبرها را عیناً برای بینندگان و نویسندگان بخوانند، وضعیت اطلاع رسانی صدا و سیما، صدوشتاد درجه، تغییر خواهد کرد. به جای ویژده نامه گردن و در این مرکز خبر، خبری چیست؟



جک نیکلسون، یکی از چهره های شاخص اسکار ۹۸ بود که به خاطر بازی در فیلم در بهترین شکل ممکن، اسکار بهترین بازیگر مرد نقش شکار در دریافت کرد. بدین ترتیب، وی سومین جایزه اسکار را با خود به خانه اش برد. نیکلسون در مصاحبه ای که بعد از دریافت جایزه اسکار انجام داد، گفت: «این جایزه، تاثیر چندانی بر روند حرفه ایام نخواهد گذاشت؛ چرا که به اندازه کافی معروف هستم».

همزای نیکلسون در فیلم در بهترین شکل ممکن، هنر هانت، نیز توفیق یافت اسکار بهترین بازیگر زن نقش نخست را از آن خود سازد. این در حالی بود که چهار نامزد دیگر دریافت این جایزه، چهار بازیگر بریتانیایی بودند: کیت وینسنت (هان تینگ خوب)، دیم جودی دنچ (خانم براون)، هلنا بونهام کارتر (الاهی کبوتر) و جولی کریستی (AFTER GLOW).

در رشته بهترین بازیگر مرد مکمل، جایزه اسکار نصیب رابین ویلیامز شد که در فیلم ویل هان تینگ خوب، در نقش یک غریبی، با موفقیت کامل ظاهر شده است. ویل هان تینگ خوب، همچنین در رشته بهترین فیلمنامه اسلیر، جایزه اسکار را نصیب مت دیومون و بیل افلک کرد. کیم پیسینگر، به خاطر بازی در فیلم محرمانه لوس آنجلس، اسکار بهترین بازیگر زن مکمل را از آن خود ساخت. هرچند که فیلم محرمانه لوس آنجلس، در چند رشته دیگر نامزد دریافت جایزه اسکار بود، اما تنها نامزدی از هفتاد و دومین دوره مراسم اسکار، تصاحب جایزه اسکار در رشته های بهترین بازیگر زن مکمل و بهترین فیلمنامه اقتباسی بود.



بهترین اسکار ۱۹۹۸

- بهترین فیلم: بهترین بازیگر مرد: جک نیکلسون برای بهترین بازیگر زن: هنر هانت برای بهترین کارگردان: جیمز کامرون برای بهترین بازیگر مرد مکمل: رابین ویلیامز برای بهترین بازیگر زن مکمل: کیم پیسینگر برای بهترین فیلمنامه اقتباسی: بهترین فیلمنامه اصلی: بهترین فیلمنامه اقتباسی: بهترین جلوه های صری: بهترین صدا: بهترین طراحی لباس: بهترین موسیقی دراماتیک اصلی: بهترین موسیقی کمکی یا موزیکال: بهترین آواز فیلم: بهترین تدوین: بهترین تدوین صوتی:

«شخصیت»؛ بهترین فیلم

۱۹۹۸ سال

جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی سال ۱۹۹۷، به فیلم شخصیت، از کشور هلند تعلق گرفت. مایک وان دیب، کارگردان این فیلم، بعد از دریافت جایزه اسکار گفت: «قصه هیچ گونه تلیفی در مورد این فیلم ندارم. شاید هم چون ژرژ لوئیس هانی، پسر خوب از کار دارم، جایزه اسکار را به آن داده اند! برای من فتح اسکار، به مانند برآورده شدن یک آرزوی قدیمی است. خوب بچه ها و پسران بزرگ هم از رویاها دارند! همواره معتقد بوده ام که این فیلم در رشته و اصل، فیلمی با زبان و کاربرد بین المللی است».

فیلم شخصیت، با لحن واقع گرای خود، به روابط یک پدر بی رحم و پسرش می پردازد؛ روابطی که به طرز فزاینده ای به خشونت می گراید. این پدر، مردی بسیار سرسخت و سلفه گر به نام «دور هاف» است که به نظم و انضباط اهمیت بسیار می دهد. وی پس از این که صاحب فرزندی به نام «کاتاروف» می شود، با ناسازگاری های همسرش روبه رو می شود و همین زندگی، او را دچار پرخاشی شدید می کند. همسرش به استیلا و خواستهای او تن نمی دهد و بدین ترتیب، خانه را ترک می گوید. دور هاف، نیز خشم انباشته در وجودش را بر سر پدر خود، که بزرگ و بزرگتر می شود، خالی می کند و به این سبب، روابطی عنادآمیز بین آنها به وجود می آید. خشونت که کاتاروف، در این ارتباط متحمل می شود، بیشتر او را به یک چهره منفی بدل می کند که هر چیزی را پس می زند. او با نفرت به پدرش می نگرد.

مایک وان دیب، کارگردان شخصیت، به خاطر شیوه هدایت بازیگران فیلم و نوع بازی گرفتن از آنها، مورد تحسین منتقدان قرار گرفت. است. به اعتقاد همین منتقدان، وان دیب توانسته است با استفاده صحیح از شیوه فلاش بک (بازگشت به گذشته) و نسامه های ناستاری، پسر خود را خشونت آمیز بین پدر و پسر و نیز رفت و آمدهای پسر را با دوستان کیمولش به نمایش بگذارد.

زیبایی شخصیت در استفاده خلاصانه فیلمساز از تکنیک های متنوع سینمایی و روش های متفاوت قصه گوئی در این صنعت است. شاید اولین بازی باشد که یک فیلم هلندی، توانسته است که در عین وفادار ماندن به استیل های خاص و نه پندارن عامیانه قصه گوئی، نظر قاطبه مردم را در این کشور به خود جلب کرده، پل ارتباطی را بین طبقات مختلف برقرار کند و ان دیب، در این روند به فرمولی دست یافته است که در سینمای جهان، اسال اورسن و ژرژ و فدریک فلیتی، به آن نایل آمده بودند. این فرمول، کشف ناشناخته ها و بیان ایده های مشخص به شکل جذاب، بدون تحمیل این ایده ها به تماشاگران است. با این وجود پدر و طرز تفکر فیلمساز در جای جای فیلم پنجم می خورد.

موفقیت تجاری فیلم هنری شخصیت در آمریکا، به رغم جایزه اسکاری که در ده است، قطعاً با سطح بالایی نخواهد رسید. با این وجود، مانند بسیاری از قاتحان اسکار و چهره های بین المللی، این فیلم جذب شدن وان دیب به استودیوهای بزرگ هالیوودی نیز قوت گرفته است. فروش نکرده ایم که بل فروزون، دیگر فیلمساز مستعد هلندی در اواخر دهه ۱۹۸۰، همین راه را رفت و به موفقیت نیز رسید. وان دیب در این خصوص گفته است: «من تمام چه بگویم، من فقط سی و نه سال دارم و هنوز پیر نشده ام. به هر حال، در زندگی چیزهایی به جز فیلم سازی و کار هم وجود دارد و باید به خانواده و سایر جنبه های زندگی من توجه کرد و این چیزی است که من هم قصد آن را دارم» □

عطر بیک ، عطر جوانی



با آرزوی سالی خوش

فرشاد که از در پاکدگان بیرون آمد، به طرف پارک حرکت کردیم. چند قدم داخل پارک راه رفتیم. فرشاد ایستاد. یقه بارانی اش را بالا داد و با دست به نقطه ای اشاره کرد. گفت: «یک صندلی خالی». تقریباً تمام صندلی های پارک خالی بود. تعجب کردم. گفتم: «برویم».

و شانه هایم را بالا انداختم. چند لحظه بعد، من و فرشاد، روی صندلی کنار پارک، در حاشیه شن راه ساخته شده میان درختان، نشستیم. فرشاد مدام حرف زد. حرف خرق. بحث اصلی این بود: «کدام روز؟»

فرشاد اصرار کرد: «چهارشنبه، عوضش نکن».

گفتم: «همه روزها خوبند. اما فقط پنجشنبه».

گفتم: «هرفی ندارم. فقط باید تنها بروی».

«تا اینجا آمدم که تنها بروم».

«من پنجشنبه نگیانم».

«یا یکی عوض کن».

«اگه نصد؟»

«می شود».

«حالا چه اصراری داری پنجشنبه».

«نذر اخوی، نذر».

«دانشگاه چی؟»

«ولش. هفته بعد جبران می کنم».

«من باید چند دقیقه دیگر بروم. پست دارم».

«مزاحمت شدم».

«شربت کم. عزت زیاد. از بابت خوراکی های خوشمزه ات هم متشکرم».

«دیگه قرار نبود خجالت بدی».

«با علی مدد. خدا حافظ».

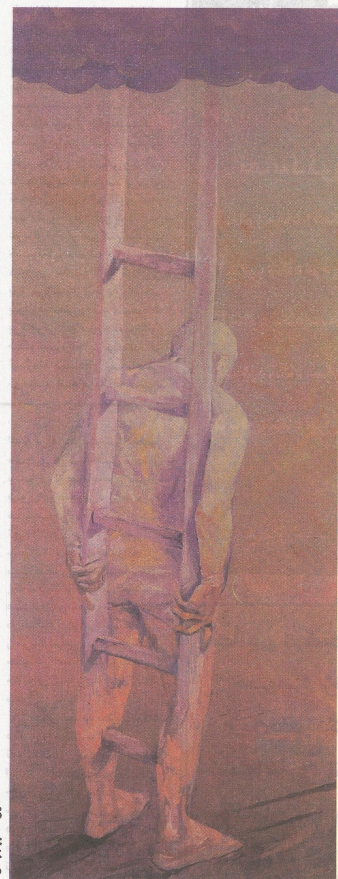
به نظرم می شود اسم همین کار را هم تجربه گذاشت. من از اول هم از رشته تجربی خوشم نمی آمد. انسانی بیشتر به گروه خنم می خورد. اما مثل اینکه آدم باید چیزی را که برایش مقرر شده است، تجربه کند. هماش هم که دارم پرت و پلا فکر می کنم. این هم نمی تواند عجیب باشد. در این حال و هوایی که من دارم، شاید یک تجربه است یا یک حس ناب. نمی دانم سربازی فرشاد وارد ماه ششم شده یا نه! اگر از من بپرسند که می گویم فرشاد ده سال سربازی کرده و ده سال دیگر هم باید سربازی کند. شاید هم دو روز پیش بود رفت خدمت و دو روز دیگر هم کارت می گیرد و به سلامت، یادم رفت امروز که رفته بودم ملاقاتش.

پرنده ها به امیدی می آیند

جهانگیر خسرو نهای

تجربه هایی را که جدیداً از سر گزارنده بودم، برایش بگویم. خوب قرازان هم این نبود. رفته بودم تا او را، راضی اش کنم که بالاخره هم راضی شد. اما اگر از حق نگذریم، یادگانشان عجیب طبیعتی دارد. دامنه زیبای البرز. بالای بالا. اینجا چه فکرهايي که به سر آدم نمی زند. والله.

فرشاد راضی شد که برویم الواتی. این رفتن چه قدر آدمی مثل من را سبک می کند. چه قدر آدمی مثل من که برادرش سربازی است، می فهماند که توی این سزاره پی ناه است. چه قدر به است که یک آدم بی ناه، پناهگاه را نشانسد. چه قدر این رفتن می تواند به آدمی مثل من، پناهگاه را بشناسد.



خواب بیدارم کرد. مادرم یکی از رازهای بزرگی است که نمی گذارد زندگی برای من بی معنا شود. امروز بیشتر از هر روز نهار خوردم. دوتا نیمرو با دوتا قند پهلوی. چه اشتهايي. مادرم کاملاً مایل بود. دانستم که بیسی خوشحال شد. از اینکه پسرش بعد از یکس دو هفته، دوباره اشتهايش برای خوردن غذا باز شده است.

باید بروم بقالی. محل قرار من و فرشاد، رو به روی تاک است. باید ساعت چهار بعد از ظهر، آنجا باشم. نم باران چنان می ریزد که فکر می کنی تنها زمین سرطوب است. هوا فوق العاده سلس. یعنی خوب است. از در خانه تا مسافره احمدقا، چه مکاشفاتی که به آدم دست نمی دهد.

وارد مغازه که شدم، دانستم که بقال محل ما هم آدم خوبی است. فقط کمی گبر سارخ افتاده که آن هم آن سال الله بزرگی دیدارها تازه می گردد. خیالم راحت شد. مغازه خلوت بود و جز خودم مشتری دیگری در آنجا نبود.

«احمدقا! یک کیلو ارزن بده یک کیلو قره ماش».

آقای احمدقا، اخمهائش درهم رفت. نگاهم کرد. نگاهي عجیب: به پرسش گفت: «زود راهش پیداز برود پی کارش».

بعد مثل اینکه دلت نباید با من حرفی نزنند، گفت: «پسر غلام! هفته قبل هم که همین اش و کاسه را داشتی. ما توی این محل، فقط همین را کم داشتیم که تو کیوتربازی بکنی».

سرم را پایین انداختم و هیچ نگفتم. بعد هم با لافاصله پول ارزن و قره ماش را حساب کردم و یک تا یولون دسته دار از احمد گرفتم. ارزن و قره ماش را در آن قرار دادم و با علی. به محل قرار که رسیدم، باد تند و سردی پرچمها را می قساند. ده دقیقه از موعد قرار گذشته بود که فرشاد پیدایش شد.

گفتم: «ده دقیقه طلب من».

گفت: «هنگر می شود به این راحتی از پاکان زد بیرون!».

از کنار تاک، حرکت کردم. ده دقیقه بعد، خیابانها و نیم قطعه هایی را پشت سر گذاشتیم. کنار یک ردیف طولانی از سنگهای سیاه و یکدست ایستادیم. روی سنگهای سیاه، سرطوب بود. سنگهایی که برخلاف سایر سنگهای این قطعه، گل، آینه، شمعان و پرده تور نداشتند. روی یک ردیف، هنوز دانه نریخته بودند. خوشحال شدم. فرشاد ارزن ریخت و من قره ماش؛ برای من نندهایی که به امیدی می آیند تا سر خاک شهدای گمنام. به امید دین نور نارنجی، نور سبز.

ایستگاه آخرین

تیرداد نظری

پس از بارانهای بسیار بارانهای بسیار بارانهای بسیار از قطار پیاده شدیم - گفتیم: «ایستگاه آخرمان این بود...»

در سایه سار آسمان و خاکستر پیاده شدیم اما، دوباره قطاری از دور، می آید. ما، سر می گردانیم و به آخر این ریل می نگرییم:

«برای ما دست تکان می دهند در ماریج کوههای مه آلود - مادران گندمزار در نور آفتاب دختران پسته و چای در همه صندلی ها - پسران بلوغ برای ما دست تکان می دهد کوب».

ما پیاده شدیم این قطار اما همچنان می برد ما را با خود

زخم

با ساق های یک باران می آید، بر صندلی می نشیند، کبریت می کشد

حلقه حلقه حلقه های دود می روند تا نیمه های سقف از آنجا با اضطراب یک خبر می یزنند بر صفحه روزنامه می یزنند در فنجان چای

من آنجا نیستم اما جرعه جرعه، می توان فهمید: با قدمهای یک باران که بلند با قدمهای یک باران که تند او می رود تا کنار استخوان خودش.

آنجا، در اعماق زخمهای با سوزش نمک قراری دارد.

کسی می شنود؟

در تاریکی می لرزم: که تاریکی - رو در روی من - می آید رد می شود از تمامات من و قابیهی وسیعتر از مرا که پشت سرم هستند، پر می کند.

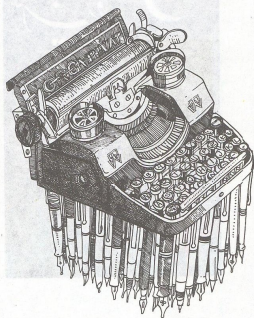
در تاریکی من از هم ریخته شده ام. فقط لبانی

(میان ریزش من و - تویی که آنجایی) می جنبید: «... اینجا هستم. کسی می شنود؟»

آه می شنوی - گوش که بر این سنگ می چسبانی

ذکر مصیبت مترجمان

■ اسداله امرا بی (مترجم)



مترجمین چند دستاورد و طبعاً کیفیت کارشان با هم تفاوت ماهوی و کیفی دارد. در این مسطر، تنها به مترجمان متون ادبی و هنری می‌پردازم و مواردی را که با آنها برخورد کرده‌ام، می‌گویم. با این امید که درسی باشد برای خودم و برخی از دوستان که در این وادی، قلم می‌زنند.

از اصول کار می‌گویم که همه می‌دانند، شرط اصلی صحت و اعتبار ترجمه، تسلط مترجم بر زبان مبدا و زبان مقصد است. لنگی در هر کدام، خواننده را پای ترجمه ششما، شاید کلمات متشابه را به عوض هم ترجمه کنند، اما معانی را که یکبار مرور کنند، احتمالاً متوجه خط می‌شوند. ولی متأسفانه، اعتقاد به نفس غیرمعقول و قافی ایهت نام مترجم، کار دست او می‌دهد. مثلاً در یک فیلم کار تونی برای کودکان، داستان «دائل داک و سه ارک کوچولو»، صحنه‌ای وجود دارد که در آن، عمو دانلس می‌خواهد به بچه‌ها در مورد باکتری درس بدهد و می‌گوید: «... خوب بچه‌ها، حالا یک «فرهنگ» را می‌گذاریم زیر

برکت‌لر برشت، هفتاد میلیون بار

تاکنون از آثار برتولت برشت در سراسر جهان، نزدیک به هفتاد میلیون نسخه این نویسنده که روی هم رفته، به چاپ رسیده است، نوشته‌های این نویسنده که روی هم رفته، پنجاه نمایشنامه نوشته، به چهارده زبان ترجمه شده است. برفرورشتین نمایشنامه‌های او «اریاب پوتیلی و نوکرش ماتی» و «دانشان خوب سچوان» بوده است. نمایش «ایری سه پوتلی» نیز بیشتر از سایر نمایشنامه‌ها اجرا شده است.

نویسندگان در مخالفت با قانون استراق سمع

بیشتر از چهل نویسنده نامی آلمانی، قانون «استراق سمع» را مخلفای به حقوق مدنی و مودارتیک تلقی کرده و مورد انتقاد قرار داده‌اند. به قلم‌های آلمانی در «دولسورف» به چاپ رسیده، نوشته شده بود که اگر تغییر در قانون اساسی به همین نحو

این رمان تاریخی، حکایتی جذاب دارد.

میکروسکوپ». حالا چه جور فرهنگی، بماند! طرف شیشه‌ای گسری زیر میکروسکوپ کشند، اما معانی را که یکبار مرور کنند، احتمالاً متوجه خط می‌شوند. ولی متأسفانه، اعتقاد به نفس غیرمعقول و قافی ایهت نام مترجم، کار دست او می‌دهد. مثلاً در یک فیلم کار تونی برای کودکان، داستان «دائل داک و سه ارک کوچولو»، صحنه‌ای وجود دارد که در آن، عمو دانلس می‌خواهد به بچه‌ها در مورد باکتری درس بدهد و می‌گوید: «... خوب بچه‌ها، حالا یک «فرهنگ» را می‌گذاریم زیر

پناهنده

«پناهنده»، پاتریک مک گرات. باخواندن رمان تکان دهنده یک گزاف، آدم حس می‌کند که در پند و گزاف‌ها آمده است. با سفت شدن بیهوده، خواننده نوبید و هراس خورده از جای خود تکان نمی‌خورد.

Asylum, Patrick Mc Grath

مبارزه با سرقت و قاچاق

کشورهای آمریکای مرکزی قصد دارند به طور مشترک با آمریکا علیه سرقت و قاچاق آثار باستانی در منطقه مبارزه کنند. این کشورها، این تصمیم را در کنفرانسی در «اسانخوز»، پایتخت «کاستاریکا»، اتخاذ کردند. بر اساس گفته آرنولد موراد، وزیر فرهنگ کاستاریکا، شکهای قدرتمند از قاچاق که در هلی‌گویت و سلاهای مدرن مهجور است، وجود دارد که دولت و دستگاه پلیس می‌کوشند در آن نود کنند. توماس دود، سفیر

را هم دارد، پتوی پیچازی را «پتوی مشبک» ترجمه کرده است، و در جایی دیگر «لباس مشبک» را به جای لباس چهارخانه یا پیچازی، نشانده است. در برگردان فیلم‌های سینمایی، آنقدر از این اشتباهات پیش می‌آید که بیننده می‌گذرد یا آن را به حساب بعضی مسایل غیر از بی‌سوادی مترجم می‌گذارد. چند نمونه‌اش را که همین اواخر در تلویزیون دیده‌ایم ذکر می‌کنم:

در فیلمی به اسم «سزعه‌داران»، یکی از قهرمانان فیلم که شاهد مسابقه «بیس بال» است، می‌گوید: «یک توپ بیج‌راز بزن». این مورد هم احتمالاً به مترجم ربطی ندارد که در کافای «قهوه داغ» سفارش می‌دهند و قهوه را در دو پاتیل بزرگ می‌آورند که کلی هم کف روی آن ایستاده!

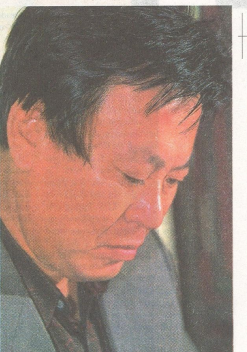
این ذکر مصیبت‌ها به بخش حرفه‌ای کار مربوط می‌شود و صلاحیت‌ها. اما می‌ماند در آنهایی که می‌خواهند کار کنند. کار خوب هم بکنند. یک مشکل هم منبع جدید است که تهیه آن به «هفت خوان رستم» شباهت دارد. بعد از تهیه منبع، می‌ماند اینکه آیا کسی دیگر هم آن کار را در دست ترجمه دارد یا نه. و آنجا منبع موثق در زمینه اطلاعاتی نداریم. به همین دلیل در بازار کتاب، ناگهان سه یا چهار ترجمه از یک کتاب ظاهر می‌شود. البته، از این حرفها، بسیار است و همین جا درز می‌گیرم.

حق انتخاب با شماست: نویسندگی یا تدریس

این خبر که لی مون پول، محبوب‌ترین نویسنده کره، به خاطر نوشتن، از تدریس در دانشگاه ستول دست خواهد کشید، مورد استقبال جامعه ادبی و مشتاقان او قرار گرفته است. اما این مسئله به چنجال استخدام نویسندگان مشهور به عنوان استاد تمام وقت، دامن زده است.

لی، که در مصاحبه‌ای با نشریه «کوری هرالد» گفت: «تصمیم برای ترک تدریس واقعا تصمیم دشواری بود، چون من عاشق دانشجویانم، اما برنامه کاری شلوغ من به عنوان نویسنده، آماجی کامل مرا برای تدریس دشوار می‌کند».

لی، چهل و نه ساله که اغلب درگیر فیلمسازی، سخنرانی و تگارش مقاله است، در سه سال گذشته به تدریس درس «نویسندگی خلاق» در دانشگاه «سجونگ» اشتغال داشته است. تدریس در دانشگاه مسئولیت داشتن مدرک دکتر در رشته خاص است. اما گروه مستثنی از نویسندگان، عمدتاً رمان‌نویسان، بدون توجه به سوابق آموزشی و به خاطر موفقیت‌های ادبی خود به استخدام دانشگاه درآمده‌اند.



هان کیونگ می، مقام اجرایی دانشگاه «یونسی» می‌گوید: «نویسندگان با داشتن بینشی عمیق به طبیعت انسان و تجارب غنی نوشتن، به مشهورترین استادان بدل شده‌اند».

دانشگاه «یونسی» نیز، اخیراً پارک کیونگ-نی، هفتاد و یک ساله، رمان‌نویس مشهور - نویسنده «سرزمین» (Jory) - را به عنوان استاد افتخاری برای یک دوره یک ساله به خدمت گرفته است. اما این مسئله همچنان باقی است که آیا تدریس برای نویسندگی سومند است یا باعث کنی روند آن می‌شود. لی، تنها نویسنده‌ای نیست که تدریس را به خاطر تمرکز بر نویسندگی کنار می‌گذارد. لی چونگ - چون، رمان‌نویس گهنگه‌کار نیز بعد از شش ماه تدریس در دانشگاه ستول، با گفتن اینکه تدریس باعث اختلال در حرفه نویسندگی‌اش می‌شود، مجدداً به صورت تمام عیار به نویسندگی بازگشته است.

نویسندگانی که معتقدند حرفه تدریس برای نویسندگی مفید نیست، خاطرنشان می‌کنند که فشار و تأکید دانشگاه بر منطق و تعقل، تصورات نویسنده را محدود می‌کند. پارک پووم - شین که در دانشگاه «یونگ جی» تدریس می‌کند، معتقد است: «این امری غیرقابل اجتناب است که تأکید دانشگاه بر منطق یا کشف و شهود و تصورات نویسندگان را تشنه قرار گیرد. برخی که می‌کنند که خط مشی دانشگاه‌ها که طی آن تمام استادان می‌خواهند تحقیق ارائه دهند برای نویسندگان، مشکلاتی را ایجاد کرده است».

هیون کیل - ان، استاد دانشگاه «هان بانگ» می‌گوید: «در بسیاری کالاجا، ارائه تحقیق برای ارتقا ضروری است و بسیاری از نویسندگان به دلیل اینکه به نوشتن رساله عادت ندارند، با دشواری‌های بسیاری مواجه می‌شوند». دانشگاه‌ها به جای درخواست از نویسندگان جهت نوشتن رساله، باید آثار جدید آنها را به عنوان موفقیت‌های آموزشی در نظر بگیرند.

مترجم: عبدالمجید اسکندری

مژده به کلیه ادب دوستان

لوح فشرده (CD)

فرهنگ «واژگان» بزرگترین و کاملترین فرهنگ لغت فارسی کاری تحقیقاتی و مقابله از اولین لغت نامه‌های فارسی تا جدیدترین لغات مصطلح روز در زبان فارسی، مجموعه‌ای بی‌نظیر از کلیه لغات عرفانی، تخصصی، موسیقی، با واژگان از نگهداری و خرید صدها جلد کتاب در کتابخانه بی‌نیاز می‌شود.

ما شما را داشتن صدها جلد کتاب بی‌نیاز می‌کنیم (کتابخانه):

- ۱- تلفظ لغات مشکل
- ۲- امکان جستجوی سریع در بین کلیه فرهنگها
- ۳- ۶۰ دقیقه موسیقی سنتی و متن
- ۴- امکان چاپ
- ۵- صدها تابلوی تاریخی و هنری

شرکت خردسازان وابسته به مؤسسه فرهنگی و خیریه امام حسن مجتبی (ع)، افتخار دارد پس از عرضه بزرگترین فرهنگ لغت فارسی دومین اثر خود تحت عنوان «فرهنگ پزرگ شعر و شاعره فارسی» را به ملت فرهنگ دوست ایران اسلامی تقدیم نماید که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- مجموعه تاریخ ادبیات از بدو پیدایش شعر پارسی تا امروز، شرح حال کامل کلیه شاعران با انتخابی از بهترین قطعات، نظم آنان، امکان تحقیق در انواع شعر.

ب - مجموعه انتخابی از معروفترین و زیباترین شعر شعری نوپرداز ایرانی تاریخ ادبیات از نیمه تا امروز (کلیه شعری نوپرداز).

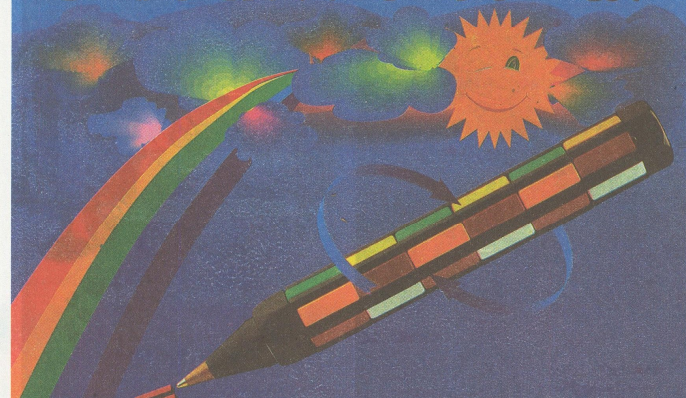
ج - مجموعه حال نوپردازان.

د - مجموعه فصل‌بندی شده شعر، امکان جستجوی شعر برای موضوعات مختلف، انتخاب شعر برای هر موضوع در رابطه با شعر.

نمایندگی فعال از شهرستانها پذیرفته می‌شود

نشانی: اصفهان، خیابان حکیم نظامی، خیابان شریعتی، ساختمان زهرا (ع)، طبقه اول صندوق پستی: ۱۴۶۵۰۲۴۹ تلفکس: ۲۲۸۱۲۵۰ تلفن مدیر عامل: ۳۳۲۲۲۸۲

بازی، تفکر کودک و اسباب بازی، وسیله آن



جورچین رنگ

مدل پرستو

وسيله مناسب و سرگرم کننده

برای تمامی گروه های سنی

هدیه ای شیک

و ارزشمند برای کسانیکه دوستشان دارند.

پرهیز از رنگ - مدل پرستو، از هفتاد شش قطعه به پلا یا پلای، مستقل‌های هرکدام را در یک روی قرار دهید.

شرکت سرگرمیهای فکری کودکان شکوه افروز

JOURCHEEN RANG, MODEL: PARASTOO

Rotate the hexagon pieces to right or left, and move the rectangle pieces up or down till the rectangles of the same color are in a line.

P. O. BOX 16415376 - TEHRAN - IRAN

آدرس: تهران، خیابان سپه بین هفتاد و شش قطعه (دک) و حافظ، ساختمان ۲۴۰، طبقه دوم، پلاک ۱۲، تلفن: ۸۸۰۰۲۲۲۵

با تبریک سال نو

کتابیاب

مشاور شما جهت خرید، فروش و تهیه کتب ایرانی و خارجی، جدید، قدیمی در موضوعات مختلف به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیولی، روسی، عبری، ارمنی، ترکی، ژاپنی و صدها زبان دیگر...

- ۱- تهیه کتب فارسی شما، تحویل در محل کار یا منزل خودتان.
- ۲- خریدار کتاب و کتابخانه‌های شخصی در محل
- ۳- قیمت‌گذاری کتب نفیس و قدیمی (چاپی، سنگی، خطی)، ۲۰-۳۰ ارائه خدمات و اطلاعات کتاب و کتابداری و کتاب شناسی.
- ۴- دبستان زمزم
- ۵- برای شهرستان و خارج از کشور ارسال توسط پست.

شماره ممتاز
با تشکر اولیاء محترم دبستان زمزم

مرضیه میرعیسی‌خانی

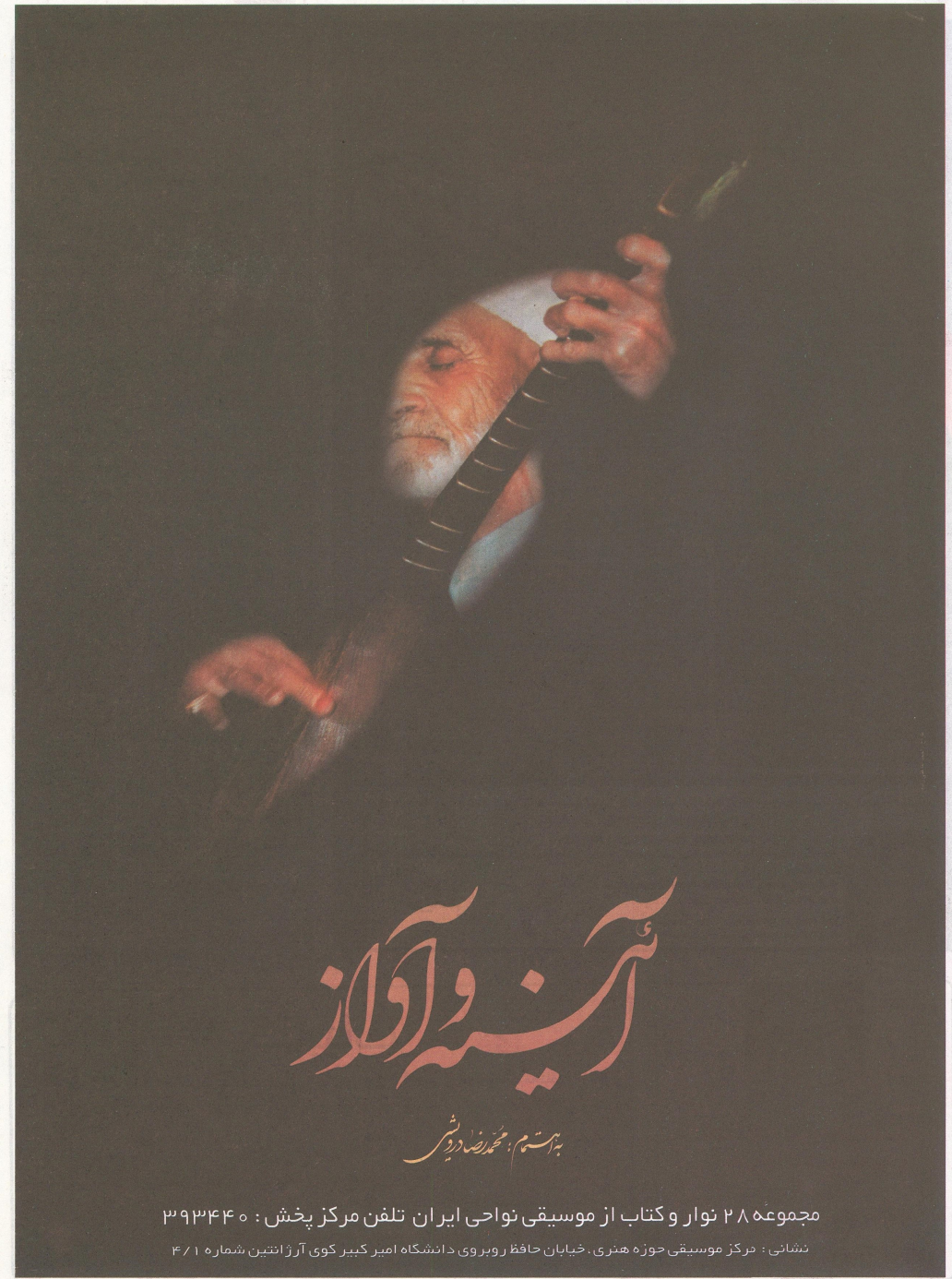
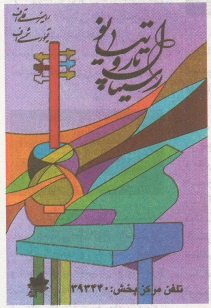
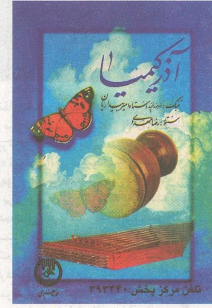
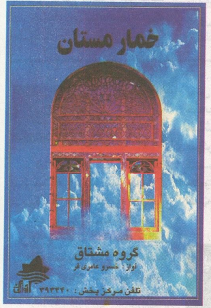
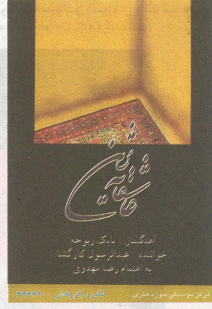
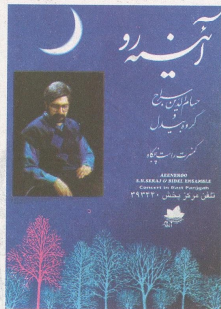
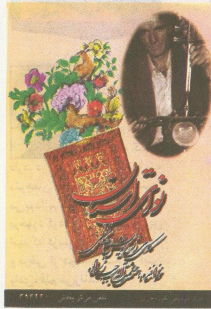
دانش آموز کلاس دوم ابتدایی

دبستان زمزم

شماره ممتاز

با تشکر اولیاء محترم دبستان زمزم

تولیدات سال ۷۶ مرکز موسیقی حوزه هنری



مجموعه ۲۸ نوار و کتاب از موسیقی نواحی ایران تلفن مرکز پخش: ۳۹۳۴۴۰

نشانی: مرکز موسیقی حوزه هنری، خیابان حافظ رویر وی دانشگاه امیر کبیر کوی آرژانتین شماره ۴/۱